

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
و پایگاه داخلی

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

صفحه ۲۲

بهمن ماه ۱۳۶۵

سال هشتم - شماره ۲۰۹

مروری بر مهمترین دروسهای انقلاب

در تاریخچه حیات سیاسی هر ملتسی روزهایی را میتوان یافت که بنا به معنی و اهمیتی گنبد در زندگی مبارزانه مردم آن بوده است. روزهای فراموش نشدنی در خاطر تاریخ نویسان بوده است. مردم حادثه می مانند و حاوی دروسهای گرانبها و ارزشمند، بسیاری آن مردم اند.

قیام توده های مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز یکی از این روزهای بزرگ و تاریخی است. روزی که توده های ستمدیده و زجر کشیده سلاح بدست، برای سرکوبی ستمگران به قیام برخاستند و رژیم سلطنتی را که تضمین ۲۵۰۰ سال مسموم سرکوب توده ها بود سرنگون کردند و گور سپردند. اما اهداف توده های مردم در انقلاب به سرکوبی رژیم شاه محدود نبود. تحقق این اهداف مستلزم یک

در صفحه ۲

رسانای سياهکل

۲۲ ←

پیام

سازمانهای مترقی و انقلابی

بمناسبت سالروز

بنیانگذاری سازمان



سیمای شهرها در زیر بمبارانهای هوایی

شش هفته بمباران مداوم شهرها و مناطق مختلف دهها هزار کشته و مجروح، هزاران ساختمان مخروبه و دهها هزار آواره برجای گذارد. گرچه تداوم جنگ ارتجاعی در هر شکل و با هر حدت و شدتی، برای کارگران و زحمتکشان شری چهر گشتار و ناسودی در بر نداشته و ندارد. اما آنگاه که طرفین درگیر در جنگ برای خلاصی ازین بست جنگ به بمباران شهرها و

در صفحه ۷

شکست نظامی اخیر یک شکست سیاسی بزرگ

شکست فاجعه بار رژیم جمهوری اسلامی در تعرض نظامی اخیر موسوم به کربلای ۵ و ۶ که طی آن نزدیک به ۵۰ هزار تن کشته و چندین هزار سراسر و معلول شدند و سپاه یکمدهزار نفری محمد باکلی منگلی گردید، نه تنها سر آغاز یک مرحله جدید در شکست های نظامی رژیم محسوب میگردد، بلکه یک شکست سیاسی است که در پی خود رژیم را با یک بحران

در صفحه ۶

تکاپو برای تقویت ثقل فرمیسم جدید

اکثریتی های کشنگری در راستای پوست ایداعسن فرمیسم و شعوبیست جلدسد فرمیسم که با منعمه های سابق کارآشایش را اردست داده. مشی تقویت ثقل فرمیسم جدید را تحت عنوان برضعطراق وسی معنی سعوت " ثقل انتقزیبب در کومست " دنبال میکند.

در صفحه ۸

اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی

بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیونی سازمان

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل کنیم

مروری بر مهمترین درسهای انقلاب

نخستین درس انقلاب ایران همانند نمونه‌های بسیار در تاریخ انقلابات جهانی این بود که طبقات ارتجاعی حاکمه هنگامی که خود را در برابر امواج طوفانی انقلاب می‌بینند نخست به سرکوب و زور برای فرونشاندن انقلاب برمی‌خیزند. اگر توده‌ها در برابر سیاست سرکوب ایستادگی و مقاومت کنند، مرتجعین راه فریب توده‌ها را برمی‌گزینند و سعی می‌کنند با دادن برخی امتیازات و انجام رفرمهای ناچیز، مانع از اعتلا جنبش گردند و آنرا از مسیر انقلابی منحرف سازند، تا با فرونشستن امواج انقلاب دوباره امتیازات را با زیر پای گیرند و توده‌ها را به عقب نشینی وادارند.

توده‌های مردم ایران در مبارزه علیه رژیم شاه، این درس را خوب آموختند، اسیر فریب‌ها و دسائس مرتجعین نشدند، بوی مبارزه خودا دامه دادند.

تلاشهای فریبکارانه رژیم شاه با شکست روبرو گردید، برنا مه با اصطلاح آشتی ملی دولت شریف‌امامی چاره ساز نبود. بحران سیاسی پیوسته عمیق‌تر می‌شد، هر روز بخش‌های وسیع شورتاژه‌تری از توده‌های مردم ایران از خواب دیرینه برمی‌خاستند و به انقلاب می‌پیوستند. چنان شرایطی از حدت تضادها پدید آمده بود که تمامی اقشار و طبقات خلق علیه بر منافع مختلف و متضاد متحداً خواستار برافتادن رژیم حاکم بودند، اما علاوه بر اقشار و طبقات خلق که منافعشان در سرنگونی رژیم شاه نهفته بود، اپوزیسیونهای ضد انقلابی مخالف رژیم شاه سر خود را درون حسی می‌انداختند تا با نفوذ در آن و بدست آوردن رهبری حسی در حواسهای توده‌ها را در انقلاب بدک سلسله رزمها محدود کنند.

سوررواری متوسط ایران که بر اثر مصیبات و محدودیتهای اقتصادی و سیاسی سوررواری سرک و رژیم شاه در موضع ایورسیون قرار گرفته بود، مانعی عمده بر سر راه تحول انقلابی حسی بود، سورروازی متوسط ارحلی و مبارزه انقلابی توده‌ها در هراس بود. اراس رو در آغاز و جگری حسی، تمام سئای و کوشش خود را بکار گرفت تا با کرمش امتیازاتی به نفع خود با سلط و حجاج سورروازی بسزرگ سارس کند و خلق را برای سیاسی سازد.

روبرو گردید که موجودیت وارکسان حکومتش را مورد تهدید قرار داده بود. رژیم شاه برای فرونشاندن این نخستین امواج انقلاب، نیروهای خود را بسرای سرکوب توده‌ها گسیل داشت، اما کارگسر نبود، دامنه اعتراض فرونی می‌یافت و شعله‌های انقلاب سراسر ایران را فرا میگرفت.

سال ۵۷ با رشد و اعتلای مداوم جنبش توده‌ای آغاز گردید، در مرداد ماه سال ۵۷ دیگر دامنه جنبش ارتبیریز تا اصفهان کشیده شده بود، رژیم شاه هراسان اراس رشد سریع و بلاوقفه جنبش تظاهرات مردم اصفهان را به خون کشید و در آنجا حکومت نظامی اعلام کرد تا شاید بدین طریق بتواند رشد و اعتلا جنبش اعتراضی توده‌ای را سد کند، اما سوده‌ها که طی سالها ستمگری رژیم شاه جانشان به لب رسیده بود، آرام نگرفتند و بر دامنه اعتراض خود افزودند. رژیم شاه سلسی دیگر را در سس گرفت دولت آمورگار سقوط کرد و شریف‌امامی با سرمایه با اصطلاح آشتی ملی بر سر کار آمد، با اراطریق رفورم و امتیاز سوده‌ها را وادار به عقب نشینی کند، او میخواست با انجام بکسری رفورم‌های ناچیز اقتصادی و اداری و دادن امتیازاتی به روحانیون مخالف شاه و نیز مخالفین با اصطلاح لیبرال او، بحران را تخفیف دهد، بوی مردم قول داد حورب رستاخیز و اطاق اصناف را محل کند، کاربونها و قمار خانه‌ها را بسند، تقوسم را بشکل گذشته بازگرداند، به دهقانان وام بدهد، برخی ارزربالهای مغسور را کنار گذارد، بشکجه گران سساواک را محاکمه کند و رندانان سیاسی را آزاد نماید.

رژیم شاه بصور مسگرد که با انجام اس رفورم‌ها و دادن برخی امتیازات قادر است مردم را بد عقب نشینی وادارد، مانع از رشد و اعتلا حسی گرد و دهسگامنگه موج جنبش فرونشست، اس امتیازات را بارس گیرد، اما سوده‌های مردم ایران، فریب سیریکهای سسب حاکمه را نخوردند و به مبارزه خود ادامه دادند.

دگر گونی انقلابی در بنیادهای جامعه و انتقال قدرت سیاسی بدست توده‌های مردم بود، لیکن این امر تحقق نیافت و از همین پرواست که اکنون پس از گذشت ۸ سال تمام از قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی برای المین می‌بینیم که هر چند رژیم سلطنتی شاه بر افتاد، اما ستم و استعمار برقرار ماند و ستمگران دوباره بر مقدرات توده‌ها حاکم شدند.

هر کارگر و زحمتکش ایرانی باید از آنچه که طی این انقلاب اتفاق افتاد درسهای لازم را بیاموزد و بداند که چرا و چگونه ستمگران بار دیگر بر سر نوشت و مقدرات آنها حاکم شدند و چرا انقلاب در نیمه راه متوقف ماند؟ تا این بار که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به قیام می‌مجدد برمی‌خیزند، بکار دیگر دستاوردهای انقلابی آنها در معرض تاراجگری ضد انقلاب قرار نگیرد، انقلاب بتواند به پیروزی قطعی برسد و بسرای همیشه باط ستمگران از ایزان جا رواب شود، هر کس که به پیروزی انقلاب می‌اندیشد باید این درسها را به خاطر بسپارد و در قیام قریب الوقوع آنها را دقیقاً بکار بندد.

توده‌های مردم ایران که طی سالهای متمادی در معرض ستمگریها و فشارهای طبقات ستمگرو ارتجاعی قرار گرفتند، بیوند، با آغاز نیمه دوم دهه پنجاه ربر فشارهای فزاینده اقتصادی و سیاسی به مبارزه آشکار و علنی، سخت وجدی علیه ستم ستمگران حاکم بها خاستند. در سال ۱۳۵۶ ظلمه‌های یک بحران ژرف آشکار گردید و خشم انباشته و متراکم شده توده‌ها طی سالها و قرنها، علیه ستمگران منفجر گردید. توده‌های مردم بیبا خاستند تا خورد را از قید ستم و بندگی، تحمل فشارها و ممانب متعدد اقتصادی و سیاسی رهائی بخشند. عمر تطلعات انقلابی آغاز گردید و مردم به انقلاب برخاستند، زمستان سال ۵۶ با نخستین امواج اعتراضات توده‌ای در برخی شهرها، بشکل تظاهرات، با تاش کشیدن سائکها، شرکتها، فروشگاههای بسزرگ، سعه‌های حزب رستاخیز شاه، این مراکسر سم اقتصادی و سیاسی بر توده‌ها، آغسار گردید. رژیم ارتجاعی شاه که طی چندین سال دوران رکود و آرامش در زندگی توده‌ها ایران را جزیره ثبات و آرامش نام نهاده بود، به بکاره با جزیره‌ای طوفانی



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت سالروز قیام و سیاهکل

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن هفدهمین سالروز حماسه ۳ فریبی فدائیان خلق در سیاهکل، رور بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ۲۲ بهمن نهمین سالروز قیام قهرمانانه و حماسی توده‌های مردم ایران علیه رژیم شاه و سرنگونی آن فرارسیده است. در تاریخچه حیات سیاسی و زندگی مبارزاتی هرملتی لحظاتی است که جاودانه می ماند و رویدادهایی است که هیچگاه از خاطره ها محو نمی گردد. تاریخچه مبارزات توده‌های مردم ایران نیز آکنده از چنین لحظات و رویدادهای برجسته‌ای است که هر یک در جای خود نقش مهمی در زندگی مبارزاتی و حیات سیاسی مردم ایفا نموده‌اند.

در این میان بهمن ماه که هرروز و هرلحظه آن یادآور قهرمانی و مبارزه دلورانه توده‌های مردم ایران است بیش از هرچیز با این دورویداد بسیار برجسته و دارای اهمیت تاریخی مشخص میگردد.

بزرگداشت این هر دورویداد، بزرگداشت مبارزه قهرمانانه خلقی است که در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب خود هیچگاه دست از مبارزه علیه ستمگران برنداشته و سنت افتخارآمیز مبارزه را همچنان رسیده نگهداشته است.

قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که یکی از فصول درخشان در تاریخچه حیات سیاسی مردم ایران است، در عین حال که عزم بولادین و اراده آهنین این خلق و قدرت نابزال آنرا در مبارزه علیه ستمگران تاریخ نشان میدهد، یاد آور این واقعیت نیز هست که در برابر قدرت توده‌هایی که علیه ستمگران بپا می خیزند، هیچ نیروی حتی سازمان یافته‌ترین و عظیم‌ترین دستگا‌های نظامی و سرکوب طبقات حاکمه نیز توان مقاومت و ایستادگی را نخواهد داشت. ۲۲ بهمن بیانگر اوج ابتکار انقلابی و تلاش خلقی است که بخاطر برانداختن حکومت ستمگران، کسب آزادی و دموکراسی، شرایط زندگی بهتر، برانداختن سلطه جابرانه و ستمگرانه امپریالیسم از ایران و ایجاد یک حکومت دموکراتیک و خلقی، علیه یکی از ستمکارترین حکومت‌های تاریخ بشریت به قیام مسلحانه برخاست و رژیم سلطنتی شاه را که مظهر ۲۵۰۰ سال ستمگری شاهان در ایران بود، ارای در آورده و گورستان تاریخ سپرد.

اما دریغ که علیرغم تمام قهرمانی و ار خودگذشتگی توده‌های مردمی که به‌صام مسلحانه برخاستند، ضعف‌آگاهی و اعتماد ناشی از زود باوری که خود نتیجه استبداد و دیکتاتوری سالیان دراز در ایران بود، سبب گردید که سرمایه‌داران و عموم مرتجعین زمام امور را همچنان در دست خود نگاهدارند و یک جمهوری ارتجاعی بنام جمهوری اسلامی به مردم تحمیل شد. بنا بر این نه فقط خواستهای مردم در انقلاب تحقق نیافت بلکه آنچه را که توده‌های مردم با قیام و اسکا را سنجیدنی خود بدست آورده بودند، از آنها با ز پس گرفته شد و دوباره سپاه‌ترین و عربیان‌ترین دیکتاتوری و اختیای برابران حاکم گردید و هرگونه آزادی سیاسی از مردم سلب شد. شرایط مادی زندگی توده‌ها نه تنها بهبود نیافت بلکه وخیم تر گردید. فقر ابعاد دولتاکی بخود گرفت، شکاف میان فقیر و ثروت عمیق تر و وسیع تر گردید و بی عدالتی اجتماعی باز هم بیشتر شد.

سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی نه تنها برنیافتاد، بلکه تشدید گردید. در کنار این همه معائب اجتماعی، معائب ناشی از جنگ نیز شرایط زندگی مردم را دشوارتر نمود. جنگی که بی‌سار ۶ سال عظیم‌ترین فشارهای مادی و معنوی را بر توده‌های مردم ایران تحمیل نموده، هرروز قربانیهای تازه‌ای را می طلبد، و هر رور فشار بیشتری را به مردم وارد می آورد.

امروز پس از گذشت هشت سال از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کارگران و رحمتکنان ایران و عموم توده‌های ستمدیده با چنان شرایط سخت و دشواری روبرو هستند که طی سالیهای اخیر هرگز سابقه نداشته است.

این شرایط اسفبار و غیرقابل تحمل راه دیگری جز مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دیکراتیک و انقلابی در برابر مردم ایران قرار نمی دهد. توده‌های مردم ایران نمیتوانند از این همه فجایع و محاسنی که جمهوری اسلامی بیار آورده است، نجات یابند مگر آنکه یکبار دیگر به قیام مسلحانه متوسل گردند. بدون یک پیام مجدد برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دیکراتیک خلق و سپاه‌های پیرو در اوضاع صورت نخواهد گرفت بلکه روز بروز وضع وخیم تر خواهد شد. قطعاً خلقی که به‌صام ۲۲ بهمن برای سرنگونی رژیم شاه متوسل گردید، ننگ بقا، جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهد کرد و بار دیگر به سامی دست خواهد زد که سام بخار و کدشه‌سری آن بکار گرفته خواهد شد.



قیام ۲۲ بهمن ۵۷ نتوانست منجر به پیروزی قطعی انقلاب و تحقق خواسته‌های سوده مردم گردد. چراکه رهبری انقلاب در دست طبقه کارگر، این انقلابی ترین طبقه جامعه قرار نداشت و قدرت سیاسی همچنان در دست سرمایه داران و عموم ستمگران و استثمارگران باقی ماند. این امر بار دیگر این واقعیت را با شاکت رساند که برای پیروزی قطعی انقلاب رهبری طبقه کارگر و در دست گرفتن قدرت سیاسی توسط کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان ضروریست.

قیام ۲۲ بهمن ۵۷ به استقرار یک حکومت دمکراتیک در ایران نیا انجامید، چرا که ماشین بوروکراتیک - نظامی و سرکوب نهاد مردم شکسته نشد. توده‌های مردم ایران در قیام آینده خود باید این تجربه را بکار گیرند، تمام ماشین ستمگری و سرکوب رادرم بکوبند و با ایجاد شوراهای انقلابی و تسلیح عمومی خلق به اعمال حاکمیت و دفاع از دست آوردهای انقلاب بپردازند.

در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ توده‌های مردم ایران که از روی نا آگاهی و زودبازی به دارو دسته مرتجع خمینی اعتماد کردند، این بار باید این تجربه را عمیقاً بکار بندند، تنها به سارمانی اعتماد نکند که در عمل همه جا وفاداری خود را به آرمانهای انقلاب نشان داده و اکنون نیز از برنامه و اهدافی که بتواند تحولات انقلابی - دمکراتیک را عملی سازد، دفاع میکند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه خود را در راه آرمان کارگران و زحمتکشان ایران در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله مسلحانه به پاسگاه سپاهک آغاز نمود، طی شانزده سال حیات سیاسی و فعالیت مبارزاتی خود چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی لحظه‌ای از مبارزه در راه تحقق آرمانهای توده‌های زحمتکش غفلت نکرده است. سازمان ما وفاداری خود را به آرمانهای کارگران و زحمتکشان و دفاع از منافع عموم ستمدیدگان تحت هر شرایطی نشان داده و حتی در سخت ترین و دشوارترین شرایط به مبارزه علیه ستمکاران ادامه داده است. در سراسر دوران حیات سازمان، مرتجعین پیوسته کوشیده اند تا با ایجاد موانع متعدد بر سر راه فعالیت سازمان و کشتار و به ستمدیدگان رفقای ما در فعالیت مبارزاتی سازمان زخمی ایجاد کنند، اما هیچگاه قادر نبوده اند سازمان ما را از ادامه فعالیت بازدارند. طی چند سال گذشته هزاران تن از رفقای سازمان ما در راه آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان جان باخته و هزاران تن دیگر هم اکنون در سباجالهای فزون و ساطی دزخیمان جمهوری اسلامی به بند کشیده شده اند. کارنامه مبارزاتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر هیچکس پوشیده نیست. صحت موضعگیریهای سازمان ما نیز چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی بر همگان عیان و آشکار است. سازمان ما در زمره نخستین سازمانهای بود که بر ماهیت فدا انقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی انگشت گذارد، به مبارزه علیه آن برخاست و عموم سیاستهای ارتجاعی آنرا افشاء نمود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمانی که از منافع و آرمانهای طبقه کارگر ایران دفاع میکند و اساساً در جهت برانداختن استثمار و نظام طبقاتی و ایجاد یک جامعه کمونیستی مبارزه می نماید، در مرحله کنونی انقلاب نیز از موضع طبقه کارگر از منافع عموم زحمتکشان و ستمدیدگان دفاع میکند و خواستار یک حکومت انقلابی و دمکراتیک و اجرای مطالبات پرینامیه حداقل سازمان که تا مین کشنده خواستها و منافع عموم توده‌های مردم است می باشد. سابقه مبارزاتی سازمان، صحت و حقانیت موضعگیریهای سازمان، و برنامه انقلابی سازمان بهترین رهچیر کارنامه سیاسی سازمان و نقش آنرا در مبارزه بخاطر آرمانهای کارگران و زحمتکشان، نشان میدهد.

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، برای رهایی از سر تمام معاشی که این رژیم تبهکار بسیار آورده است و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، حول پرچم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برنامه و اهداف آن، متشکل شوید!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - سرنگون باد جمهوری دمکراتیک خلق
 نایب‌رئیس امیرالاسم جهانی سرکردگی امیرالاسم آمریکا و پاکاد داخلین

رئیس باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نهم ماه کهراروسم و شصت و پنج



اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان

یک سال پیش در چهارم بهمن ۱۳۶۲ یک توطئه خیانتکارانه از سوی باند مزدور و خائن مطلق مدنی - حامد شیپانی با حمایت و پشتیبانی بورژوازی و کلیه دشمنان سوگندخورده طبقه کارگر بر علیه سازمان ما به مرحله اجرا درآمد، و صدای فدائی بانگ رمای کارگران ایران مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. در جریان این توطئه ۳ تن از رفقا اسکندر، کاوه و حسن در دفاع از مرکز رادیوئی سازمان به شهادت رسیدند. انگیزه ها و علل اصلی این توطئه را باید در عیب و هراس بورژوازی از آگاهی و تشکل کارگران و نقشی که صدای فدائی در این زمینه ایفا نموده است جستجو نمود. از هنگامیکه صدای فدائی فعالیت خود را آغاز نموده است تلاش آگاهانه گسترده ای را علیه نظم ارتجاعی و استثمار سرمایه داری حاکم بر ایران، رژیم جمهوری اسلامی و افشاء دوستان دروغین خلق سازمان داد.

برنامه های تبلیغی و ترویجی صدای فدائی در زمینه های دمکراتیک و سوسیالیستی نه فقط نظام سرمایه داری موجود و رژیم جمهوری اسلامی را بمشابه پاسدار این نظام آماج حملات خود قرار میداد بلکه توأم با آن کلیه سازمانها و جریانها را لبسیرال و رفرمیست و ناپیگیری عموم جریانها غیر پرولتری را بی رحمانه افشاء میکرد. ناگفته روشن است که این نقش آگاهانه صدای فدائی در میان توده های مردم بویژه طبقه کارگر ایران نمیتوانست واکنش خصمانه بورژوازی و همه کسانی که حیات ننگین خود را در ناآگاهی توده ها می بینند برنشانگیزد. از همین رو است که از مدتها پیش رژیم و حتی اپوزیسیون بورژوازی منجمله سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، تبلیغات وسیعی را علیه صدای فدائی سازمان داده بودند. از این رو در میان بورژوازی حاکم و اپوزیسیون در مبارزه علیه سازمان ما و خاموش کردن صدای فدائی، وحدت نظری و عملی وجود داشت.

تلاش همه آنها این بود به هر شکل ممکن این ابزار آگاهی بخش طبقه کارگر ایران را از آن بگیرند. توطئه حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان یک توافق همگانی جریانات مختلف بورژوازی علیه سازمان بود. شایدهرآن ایام برای عده ای از افراد ناآگاه با کسانی که در بطن مسائل قرار نداشتند با توجه به حجم تبلیغاتی که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن علیه سازمان براه انداخته بودند درک این رابطه و نقشی که اتحادیه میهنی بعنوان جانشین اصلی باند مزدور مدنی - شیپانی از سوی بورژوازی حاکم و بورژوازی اپوزیسیون ایران ایفا نمود، مشکل بود. اما از همان هنگام که درک توطئه گرانه اشغال سال مسلحانه مرکز فرستنده رادیوئی سازمان توسط این باند با شکست روبرو شد و افراد مسلح اتحادیه میهنی مرکز رادیوئی سازمان را اشغال نمودند، مانع از پخش برنامه های صدای فدائی شدند و سپس همه امکانات سازمان را نیز به تاراج بردند، برهانشان اندک آگاه و انقلابی روشن بود که این یک توطئه حساب شده علیه سازمان است که باند مدنی - شیپانی در آن مرفا نقش آلت دست و ابزار اعمال سیاستهای هستند که در پشت آن جمهوری اسلامی و سازمانهای بورژوازی ایران قرار دارند. این واقعت هنگامی بیشتر آشکار گردید که بلافاصله پس از آنکه سازمان علیه رگم تلاشهای همه جانبه بورژوازی مجدداً یک مرکز فرستنده رادیوئی دیگر دایر نمود و صدای فدائی فعالیت خود را آغاز کرد، اتحادیه میهنی یک مرکز فرستنده رادیوئی در اختیار مردوران خود قرار داد که بنام "صدای فدائی" برنامه پخش کنند.

هرچند که این تلاش بورژوازی نیز با شکست مواجه گردید چرا که صدای فدائی با مواضع انقلابی سازمان شناخته شده است، و روشن بود رادیوئی که بخواهد بنام صدای فدائی، اپورتونیسیم و سازش طبقاتی و خط بورژوازی سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات و امثالهم را تبلیغ نماید در میان توده های مردم رسوا و افشاء خواهد شد. این وقایع مصادف بود با زمانی که اتحادیه میهنی دست اتحاد بسوی جمهوری اسلامی دراز کرده و اولین بده و بیستانهای خود را از حمله علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی آغاز کرده بود. از این رو سازمان ما در اطلاعیه های خود این حقیقت را افشاء نمود و گفت: بیرونی تحولی که در منطقه صورت خواهد گرفت حقیقت پیوسته این توطئه مسلحانه را با وحدت اتحادیه میهنی کردستان و جمهوری اسلامی نشان خواهد داد.

گذشت چند ماهی کافی بود که از یک سو وحدت جمهوری اسلامی با اتحادیه میهنی کردستان و توأم با آن وحدت این سازمان با مترجمین حزب الدعوه و قباذه موقت علنی گردد و از سوی دیگر محدودیت ها و مواضعی که اتحادیه میهنی بر بر راه فعالیت کردستان سازمانهای سیاسی ایران علیه جمهوری اسلامی پدید آورد، نشان دهد که نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان با جمهوری اسلامی نمی توانسته است بدون توافق برای سرکوب سازمانهای ایرانی و محدودیت فعالیت آنها صورت بگیرد، و نقشی که اتحادیه میهنی کردستان در اتحادیه جمهوری اسلامی در جریان حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی ایفا نمود بر همگان آشکار و عیان گردد.

اکنون پس از گذشت یک سال از توطئه چهارم بهمن، نه تنها نقش بورژوازی و دارودسته اپورتونیسیت خاش و مزدور مدنی - شیپانی که به جیره خواران تحت الحمایه اتحادیه میهنی تبدیل شده اند کاملاً آشکار شده است بلکه تداوم فعالیت صدای فدائی نشان داد که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن به هر تلاش مذسوحانه ای که متوسل گردند قادر نخواهند بود سازمان ما را از ادامه فعالیت و مواضع انقلابی اش بازدارند.

ما در جهت تحقق آرمان طبقه کارگر و حفظ استقلال طبقاتی آن محکم و استوار ایستاده ایم و به مبارزه بلاوقفه خود در این مسیر ادامه خواهیم داد و هیچ مانعی قادر نخواهد بود سازمان ما را از مبارزه در راه هدف سترگی که در برابر خود قرار داده است باز دارد.

سرنگون ساز رژیم جمهوری اسلامی - برقرار ساز جمهوری دمکراتیک خلق

رشد سواد سوسیالیسم

کشت بحریر فدائی فدائی - حجازرم بهمن ما ده کبکهار روسعد رصت و پنج

شکست نظامی اخیر یک شکست سیاسی بزرگ

سیاسی بسیار عظیم روبرو خواهد ساخت. این تعرض نظامی که در پی تلاشهای طولانی مدت جمهوری اسلامی برای بسیج هر چه بیشتر نیروی انسانی و تدارک تبلیغاتی و تجهیزات نظامی صورت گرفت و بسیج ارتش یکمدهزار نفری محمد و فرید سلاح از آمریکا و اسرائیل که تنها جزئی از تدارک گسترده‌ای بود که صورت گرفته بود، در حقیقت همان تعرض گسترده بود که رژیم از مدت‌ها پیش وعده انجام آنرا به همگان داده بود. این تعرض نظامی که میبایستی همزمان در سه جبهه جنوبی، مرکزی و شمالی آغاز گردد و با اشغال بخشی از خاک عراق از جمله بصره و استقرار یک حکومت دست نشانده جمهوری اسلامی با یک پیروزی سیاسی پایان یابد، تبدیل به یک شکست نظامی - سیاسی گردید.

ابعاد این شکست تا بدانجا است که حتی سران رژیم رانیز و ادار به اعتراف نمود و رفتن جانی که تا پیش از این شکست از اشغال عراق و سرنگونی رژیم حاکم بر این کشور سخن میگفت ادعا کرد که هدف ما اشغال بصره نیست بلکه می‌خواهیم ماشین جنگی عراق را از بین ببریم. اولین حمله نظامی که بانام عملیات کربلای ۴ و از طریق تعرض یک موج وسیع انسانی در جبهه جنوب آغاز گردید در همان لحظات اول بدون اینکه بتواند حتی اندکی پیروزی نظامی بدست آورد سریعاً با شکست روبرو گردید، و تمام واحدهای آن متلاشی شدند. رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله حمله نظامی دیگری را به نام عملیات کربلای ۵ در جبهه جنوب و عملیات کربلای ۶ را در جبهه مرکزی آغاز نمود که علیرغم پیروزیهای بسیار محدود در این دو جبهه این هردو تعرض نیز با تلفات سنگین رژیم جمهوری اسلامی شکست روبرو شد.

با شکست تعرضات نظامی رژیم در سه جبهه جنوبی و مرکزی، عملیاتی گسترده سیاسی از جبهه شمالی نیز انجام نگرد متوقف ماند. بدین طریق رژیم جمهوری اسلامی در تعرضی که از مدت‌ها پیش وعده آنرا به همراه یک پیروزی بزرگ داده بود با شکست تمام و کمال روبرو

گردید. از این رو شکست رژیم در تعرض نظامی اخیر یک شکست نظامی کوچک و ناچیز نیست بلکه یک شکست نظامی بزرگ، یک شکست سیاسی محسوب میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی مدتهای مدید برای این تعرض به بسیج و گردآوری نیرو پرداخته بود و تا سرحد ممکن دست به بسیج و سازماندهی نیروی انسانی برای این تعرض زده بود. رژیم مدتها تلاش کرد تا ارتش را تجدید سازماندهی کند. با زور و تهدید و تطمیع توده‌های مردم را بسوی جبهه‌های جنگ گسیل داشت، در زمینگیه تبلیغات نیز تلاش مستمری صورت گرفته بود و واسطه و تجهیزات لازم را برای این حمله تدارک دیده بود. رژیم تمام امکانات اقتصادی و مالی خود را در خدمت این تعرض قرار داده بود. مناسبترین شرایط جوی را که ارتش عراق نتواند از برتری نیروی هوایی، زرهی و توپخانه خود استفاده کند بمنوان لحظه مساعد حمله انتخاب کرده بود و بانام این اوضاع با شکست روبرو گردید.

از این رو این شکست یک شکست بی اهمیت کوچک نیست، بلکه یک شکست بزرگ نظامی محسوب میگردد که شکستهای نظامی دیگری رانیز در پی خواهد داشت. اما آنچه که در این شکست رژیم حائز اهمیت است نه صرفاً جنبه نظامی آن بلکه شکست سیاسی و عواقب آن بصورت یک بحران سیاسی بسیار عظیم است. همانگونه که گفته شد هدف رژیم جمهوری اسلامی در تعرض نظامی اخیر، اشغال بصره و استقرار یک حکومت دست نشانده و در یک کلام یک شکست سروری سیاسی بود. رژیم نتوانست این هدف سیاسی خود بدست یابد اما آراس مسئله مهمتر است. شکست نظامی و سیاسی سرارامع داخلی رژیم است.

رژیم جمهوری اسلامی در سراسر کنونی با اوضاع اقتصادی حیران و وحشی روبرو است که در سراسر دوران حیاتش سابقه نداشته است. درست در بحران این بحران اقتصادی همه امکانات اقتصادی جامعه را در خدمت جنگ قرارداد است. هزینه‌های سرسام آور جنگ و خامت بحران اقتصادی را تشدید نموده است. جمهوری اسلامی امدهوار بود که با شکست پیروزی نظامی در جبهه‌های جنگ به اوضاع و خیم اقتصادی خود سروامانی بدهد. بعلوه نارضایتی شدید مردم از ادامه

جنگ و تضادهای درونی رژیم در زمره عوامل دیگری بودند که رژیم بخاطر مقابله با آنها به چنین پیروزی نیاز داشت. تحت تاثیر همین عوامل بود که سران جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش وعده پایان جنگ توام با یک پیروزی را تا پایان سال جاری داده بودند. اما نه فقط پیروزی بدست نیامد بلکه تعرض گسترده با یک شکست نظامی و سیاسی همراه بود. نه تنها جنگ به پایان نرسید بلکه ابعاد وسیع تری بخود گرفت و جنگ شهرها نیز بدان افزوده شد.

جمهوری اسلامی برای جبران شکست خود مجدداً در پی یک تعرض جدید برآمده است. و برای اینکه خود را از مخمصه موجود برهانند در تلاش است تا بار دیگر دست به یک حمله نظامی بزند. از همین رو پس از تلاشی و انهدام سپاه یکمدهزار نفری محمد تلاش‌های مذبحانه‌ای را آغاز نموده تا نیروی دیگری را بانام سپاه مهدی سازماندهی و تجهیز کند و هر چه سریعتر به جبهه‌های جنگ بفرستد و تعرض جدید خود را آغاز کند. ناگفته روشن است که اگر رژیم در تعرض اخیر خود با تمام تدارکات، تجهیزات و نیروی انسانی آموزش دیده با چنان شکست مفتضحانه‌ای روبرو گردید که سپاه یکمدهزار نفری محمد بکلی منهدم گردید، سر نوشت تعرض آینده آنرا ز هم اکنون روشن است. شکست مجدد.

اما به هر رو رژیم در چنان وضعیت و خیمی قرار گرفته است که خود را ناگزیر به یک تعرض جدید می بیند هر چند که خود سیر از پیش به این شکست واقف است و این شکست ها قطعاً تاثیر خورادر وضعیت داخلی رژیم برجای خواهد گذارد و آنرا با یک بحران داخلی بسیار وخیمی روبرو خواهد ساخت.

بحران اقتصادی با زهم عمیق تر و ارم گسیختگی و نابسامانی اقتصادی به نهایت خود خواهد رسید. توده‌های مردمی که در انتظار پایان یافتن جنگ نابابان سال جاری هستند توام با این شکست‌های رژیم و ادامه جنگ بردامنه مباررات خود خواهند افزود. نیروهای که در جبهه‌های جنگ سیر می‌برند و در انتظار خاتمه جنگ تا پایان سال جاری هستند با ادامه جنگ و شکست‌های بی در پی رژیم به مبارزه‌ای جدی تر علیه رژیم روی خواهند آورد. موج نارضایتی، نافرمانی و عصیان در صفحه ۱۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مباررات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خفتهای ایران



سیمای شهرها

در زیر بمبارانهای هوایی

مناطق غیر نظامی روی می آورند، سمیت و درنده خوشی سرمایه به عربانی در معرض دید توده ها قرار میگیرد. ریختن بمب بر سر کودکان، زنان و مردان برای دست بالا گرفتن در جنگ، برای امتیاز گرفتن از طرف مقابل و برای تغییر توازن جنگ به نفع خود، با این انگیزه ها است که تا کنون بارها و بارها شهرها و مناطق مسکونی، کارخانه و دانشگاه و مدرسه و بیمارستان آماج بمباران قرار گرفته اند و در این میان آنچه نصیب کارگران و زحمتکشان شده هزاران کشته و زخمی و بیسرانسی و آوارگی بوده است. بمباران شهرها ماهیت ارتجاعی جنگ را عریانتر در معرض دید توده ها قرار میدهد و واکنش آنان در برابر بمبارانها و سیاستها و تبلیغات رژیم در این زمینه، بخوبی نشان میدهد. توده ها از جنگ ارتجاعی منزعجند، آنرا جنگ خود نمیدانند و به رودرویی بیشتر با حاکمیت اسلامی برمیخورند. ایس را واکنش توده ها نسبت به بمباران شهرها و اقدامات رژیم بخوبی نشان میدهد. و همین روحیه توده ها باعث شد در زمانی که شهرها در معرض بمباران قرار داشتند، تخلیه شده بودند، مدارس و ادارات بحال تعطیل و نیمه تعطیل درآمد، بودند، رژیم " هفته بسیج سنگساز" برای مقابله با بمبارانهای هوایی "را علم کند تا بدین وسیله هم توده های مردم را به شهرها بکشانند و در هنگام بمبارانهای هوایی کنترل بیشتری بر اوضاع داشته باشد. برای مقابله با اعتراضات و نظرات ضد جنگ و رژیم که نمونه هایی از آن رابه عینه دیده بود.

در طول ۶ هفته بمباران مداوم شهرها که از اواسط دیماه تا اواخر بهمن طول انجامید، ۶۵ شهر ریختن بارها و بارها بر در حمله هوایی قرار گرفتند. فحاشی کداس بمبارانها بار آورد غیر قابل برسداند و ذکر چند نمونه از شهرهای مختلف بمباران شده وضعیت کارگران و جنگسازان ایران تحت حاکمیت حکومت جنگ و سار را تصور میکنم. طی ۶ هفته های گذشته بمباران شهرها ادامه داشت، برعموم سیرهایی که در معرض بمباران قرار داشتند، حالت ویژه ای حاکم بود، ادارات

و مدارس تعطیل و یا شبه تعطیل بودند. مردم برای نجات جان خود، ناآشناکوه امکاناتی در دسترس داشتند، شهرها را تخلیه میکردند. کودکان خردسال از ۲ تا ۵ ساله دچار حالت های عصبی شده بودند، ششادت گریه میکردند و قادر به کنترل ادرار خود نبودند، تاثيرات روانی و عصبی بمبارانها باعث شده بود که تعداد مراجعین به پزشکان متخصص اعصاب بطور چشمگیری افزایش یابد.

در بمباران شهر میانه که در ۱۲ بهمن انجام شد، دانش آموزان دو مدرسه ای که هدف بمباران قرار گرفتند، در صف ایستاده بودند با بمباران در آمدن آژیسر خطر کودکان بطرف درب مدارس هجوم بردند تا از مدرسه خارج شوند، اما مدیر مدرسه مانع خروج دانش آموزان شد در نتیجه بمباران این دو مدرسه حدود ۶۰۰ دانش آموز کشته و تعداد زیادی مجروح شدند.

در تبریز او اخر هفته دوم بهمن بمبارانها بسیار شدید بود. پس از هر موثقی که جمهوری اسلامی به شهرهای عراق میرد، تبریز و نواحی اطراف آن یک تا دوبار توسط رژیم عراق بمباران میشد، هر زمان که رادیو رژیم خبر از موثک باران شهرهای عراق میداد، مردم تبریز تیر در انتظار بمباران بمباران میسر شدند. مناطق بسیاری از شهر تبریز و اطراف آن طی این مدت هدف هواپیماهای عراقی قرار گرفتند. دانشگاه، خیابان شهناز و باغ گلستان، کارخانه های "آبدن" و "جرم دیبرل"، حوله بافی و ماشین سازی درست هنگامی بمباران شدند کسه ساعت کار تمام شده بود و کارگران در حال خروج از کارخانه بودند. یکی از بمب ها در نزدیکی سرویس کارگران کارخانه "آبدن" به زمین نشست تعداد زیادی ار کارگران کشته و زخمی شدند.

رورشید ۲۷ دیماه در ساعت ۱۱ شب، سرسر مورد بمباران قرار گرفتند. از ۵ بمبی که هواپیماهای عراقی بر سر شهر ریختند یکی به کارگاه دستکشدده فنی دانشگاه سرسز اصابت کرد. در آن ساعت ۶ تن اردانشوخیان سال آخر دانشگاه فنی مشغول ناهس حصاره بودند در اثر اصابت بمب، ۳۶ تن اردانشوخیان کشته شدند.

بمباران شهر بروجرود در تلفات و خسارات سنگینی برجای گذاشت. خانه های

بسیاری ویران شده اند. در اثر بمباران، یک مدرسه بطور کامل تخریب گشت و اجساد دانش آموزان به خیابان پرتاب شد. والدین دانش آموزان که برای یافتن فرزندان شان به محل آمده بودند، در حین جستجو در لایبلی آوارها با صدای بلند به خمینی و رژیم دشنام میداندند. هنوز مردم در حال دفن کشته شدگان بودند که بازهم هواپیماهای عراقی همان منطقه را بمباران کردند. مردم به داخل قبرهایی که برای دفن اجساد کشته بودند پناه بردند.

در اصفهان هنگامی که مردم محله " چهار سو " برای گرفتن کوپن در مقابل بانک صف کشیده بودند، شهز بمباران شد. حدود ۶۰۰ نفر در این منطقه کشته شدند. در بمباران شهر بانه مناطقی از این شهر از جمله بلوار بانه سالن شهرداری، بیمارستان و بخشی از پادگان هدف قرار گرفتند، اکثر محله های شهر سنج در بمبارانهای هوایی مورد حمله قرار گرفته اند در اثر این حملات بیش از ۱۰۰۰ تن کشته شده اند، کثرت کشته شدگان باعث شد که رژیم ۳ روز در شهر عراق عمومی اعلام کند.

در تهران پنجم بهمن شب ۲۴ بهمن برق آلتونم در منطقه آرپا شهر مورد بمباران هوایی قرار گرفت، قسمتی از ایستگاه کارخانه برق در ایستگاه از کار افتاد و برق منطقه ناصح روز بعد قطع بسرد. در اثر این بمباران مناطق مسکونی آرپا شهر صدمه دید، شیشه منازل حداقل برق آلتونم تا پل تاج تماماً خرد شد. صبح روز بعد جمعه ۲۴ بهمن مردم دیگر نقاط تهران برای دیدن این منطقه و میزان خرابی ها سرازیر شده بودند.

در خیابان رسالت بمبی در نزدیکی یک مهد کودک فرود آمد و تعدادی از کودکان کشته و زخمی شدند.

در زنجان بر اثر اصابت بمب به یک مدرسه ۳۰۰ دانش آموز کشته و زخمی شدند.

در بمباران شهر ارومیه تنها در روز ۱۱ بهمن ۵ بمب بر روی مناطق پرجمعیت شهر ریخته شد که تعداد زیادی کشته و مجروح برجای گذاشت. در اثر اصابت یکی از بمب ها به یک مدرسه ۵۰۰ دانش آموز کشته شدند.

و اینها تنها بخش ناچیزی از در صفحه ۱۷

زندگی با سوسیالیسم

تکا پو برای تقویت ثقل فرمیسم جدید

"ثقل فرمیسم جدید" است که با سرخی مرزبندی های صوری با فرمیسم بی آب و روغن شناخته شده ای که توسط حزب تسلسل شده و اکثریت نمایندگی می شد، قصد دارد اساس فرمیسم را از بحرانی که گریبانگیر بلوک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت گشته است نجات دهد. نامزدهای کشتگرها برای ورود به این ائتلاف جدید، عبارتند از بخشهایی از حزب توده که به گذشته اعتقاد دارند، سازمان اکثریت با شرط اعتقاد به خود، راه کارگرو سازمان آزادی کار.

"فرمیسم جدید" که کشتگرها در جهت تقویت ثقل آن برآمده اند و از سوی راه کارگر با استقبال مواجه شده است بر مبنای بحرانی است که در بلوک اپورتونیستی حاصل گشته است. واقعیت این است که مبارزه طبقاتی و بی آبرویی و بی حیثیتی حمایت از جمهوری اسلامی ستون فقرات بلوک اپورتونیستی، یعنی حزب توده را نه فقط سخت تضعیف نموده بلکه آنرا تکه تکه نموده و بحران همچنان در این ستون فقرات بلوک اپورتونیستی حاکم است. اکثریت نیز با اختلاف صوری در همان مسیری قرار دارد که حزب توده در حال پیمودنش میباشد.

از این رونق نیر و های اپورتونیست و شیر فرمیست بر سر حفظ پایه ها و اساس فرمیست قرار دارد. تلاقی که در دوره طی این مدت جریان داشته است، از یکسو با ترک برداشتن حزب توده و اکثریت و جدایی بخشهایی از آن، تقسلا برای ادامه حیات این دو جریان را با درجات گوناگونی به نقد (نقد اپورتونیستی) از گذشته گشاده است و در محسود و صوابت حاکم بر بلوک اپورتونیستی، حرکتی سوی "چپ" آغاز گردیده است. این حرکت که در کنفرانس ملی حزب توده و بلوک اکثریت مشاهده شد، اما قادر به ناشی آمدن بر بحران نبود و لیسندا بر ریبایی و تجربه همچنان معمل اساسی ترک را تشکیل میدهد. بر چنین زمینه ای روی دیگر سروه های فرمیست نظیر راه کارگرد سیر و اربلرک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت، برای تقویت جبهه صوری از فرمیسمها و جدت نیروهای جدا شده از آن بلوک، از مذهب پیش حرکت

بسمت راست را آغاز کردند. در حقیقت نقد کشتگرها از گذشته و اعلام مشی تقویت ثقل انقلابیون کمونیست " مشی با سمت بمشابه نقطه تلاقی این دو حرکت، به تشکیل جبهه جدیدی از فرمیستها منجر شود.

چنین است که راه کارگر شادمانه به استقبال نقد کشتگرها می رود و با اصطلاح بایکوت سیاسی اش نسبت به این چریک راکن لم یکس اعلام میدارد. راه کارگر در این مورد مینویسد: " این کام کیفاً مثبتی است که هر چند پرازد و دلسی و تردید طولانی برداشته شده است، اما بهر حال کامی به پیش است و ما از آن خرسندیم".

راه کارگر برای توجیه رفیع بایکوت سیاسی اش از کشتگرها، که اما در عمل از مدتها پیش با سیاستهای متخذه از سوی راه کارگر موضوعیت خود را از دست داده بود، بر نقد کشتگرها از خود دایر بر اینکه رژیم جمهوری اسلامی از همان مردای پیام ضد انقلابی بوده است، متکی است. امری که دیگر نه از لحاظ نظری و نه عملی ارضح اهمی بر حورردار است. بکه راه کارگر بر این مسئله معط نظر کردن حساب های کهنه است برای مداوم حساب در کلی جدید. برای تقویت " ثقل فرمیسم جدید".

گزارش سیاسی کشتگرها حاوی مضمون این فرمیسم جدید که باید سراسر در شرایط کنونی همچنان رسالت به کجراه کشاندن طبقه کارگر و توده ها را تعقیب نماید ترسیم کرده و برای این منظور با مواضع اتخاذی در سالهای قبل کسب خاستکاری فرمیسم را آشکار می صاحب نظور صوری مرز بندی نموده است. ضد انقلابی خواندن جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن، یکی از مواضعی است که اکنون مورد نقد قرار گرفته است. توش داری پس از برگ سیراب، معنای اکتون که دیگر سراسر از مواضع اپورتونیستی - فرمیستی، عملاً بر سر سؤال رفته و بی حیثیت گشته است، نقد باره ای از آنها معنادار سواب اطمینان کمپ فرمیسم ضرورت یافته است. از جمله این مواضع استفادی که در گزارش سیاسی کشتگری ها منعکس گشته است عبارتند از:

نقد دستگاه حزب توده نسبت به امیرالیم و مبارزه مدا می بریالیمیتی، رد سنوری راه رشد غیر سرمایه داری، پذیرش رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک در وجه عام خود و تاکید بر ضرورت آزادیهای سیاسی و دمکراسی.

اما این نقد کشتگرها نقصدی صوری و کاسکارانه است. نقد کشتگرها در تمامی زمینه ها، اساس و اساس تمام خیانت کاری های بر ملا شده گذشته را دست نخورده باقی میگذارد. چرا که خاستکاری با چهره جدید باید ادامه یابد. نه ضد انقلابی خواندن جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن و نه رد صوری تشوری راه رشد غیر سرمایه داری و پذیرش رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک و نه نقد مبارزه ضد امیرالیمیتی. هیچکدام اساس فرمیسم را زیر سؤال نمی برد. تنها شکل ارائه و جلوس فرمیسم تغییر می یابد. همچنانکه مار بالاجبار پوست می اندازد، کشتگرها هم فصل پوست انداختن شان فرار سیده است. اما همچنانکه مار با پوست انداختنش همچنان مار باقی می ماند، کشتگرها هم همچنان همان اکثریتی های کشتگری باقی مانده اند.

کشتگرها در گزارش سیاسی خود جمهوری اسلامی را ضد انقلابی ارزیابی میکنند، اما آن متدولوژی که کشتگرها را ضد پذیرش تشوری " اتحاد و مبارزه" سا حسی گناید همچنان در متدولوژی شان باقی است.

کشتگرها از رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک و شیوه مبارزات ضد امیرالیمیتی سخن میگویند، اما بیانشان از سرود سرگونی رژیم جمهوری اسلامی که حیرت سمح سنوری مراحل، عملی رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک را مستفی اعلام میدارند.

گزارش سیاسی بدون مضمون منعی است که سوزان اپورتونیسم شرمگینانه کشتگرها را که میخواهد با مطلق سبب تقویت ثقل انقلابیون کمونیست بپردازند، بر ملا میکند و اسرارهای تقویت ثقل فرمیسم حد در ان عیان میسازد. هر چند و با حاشی از گزارش سیاسی که گرفته شود سمرن کاملاً فرمیستی کل گزارش بیگس می آید. کانی استگاهی که در فقط سبب حسی از گزارش سیاسی تحت عنوان " دروازه در صفحه ۱۹

زند باد استقلال طبقاتی کارگران



اسامی سازمانهای انقلابی و مترقی که بمناسبت سالروز رستاخیر سیا هکل پیام فرستاده اند:

- حزب کارگران کردستان ترکیه P.K.K
- سازمان چپ انقلابی شیلی (میر)
- نشریه گاردین، نشریه چپ (آمریکا)
- حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
- اتحادیه کمونیستهای آلمان

- حزب کارگران سوسیالیست انگلیس
- جبهه فارابوندومارتنی F.M.L.N
- سازمان راه انقلابی ترکیه (دویول)
- حزب کارگران انقلابی انگلیس
- اتحاد سوسیالیستهای سازمانده (انگلستان)

پیام اتحادیه کمونیستهای آلمان

پیام جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

رفقا! بخاطر شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیام همبستگی قلبی خویش را برای شما ارسال میداریم. ما بسیار خوشبختیم که سازمان شما با وجود تعقیب و سرکوب توسط رژیم خمینی همچنان بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده و در جهت سرنگونی آن حرکت می نماید.

رژیمی که حاکمین آن در تهران خلقهای ایران را استثمار و سرکوب میکند، هزاران تن انسان را در جنگ بر علیه عراق تهیج نموده و به کام مرگ می فرستد و هر اعتراض و مقاومتی را میخواد با سرکوب و شکنجه جواب دهد، حق موجودیت نباید داشته باشد تنها جواب مناسب در مقابل چنین رژیمی، جواب خلق است که راه طریق قیام مسلحانه و یک اعتصاب عمومی سیاسی حکام جمهوری اسلامی را سرنگون نماید.

در رابطه با مسائل بین المللی رژیم تهران در پیشبرد سیاستهای قدرتهای امپریالیستی سهم بوده و در طیف ضد انقلاب قرار دارد. از همین رو است که دترهای ایرانی از معاملات اسلحه با آمریکا (پول) حساب مداخلاتیون در آمریکا مرکزی سراربر شده تا اسلحه سیکارا گوته را به شکست بکشاند و به همسر دلیل نیز میتوان گفت که با دختمی و طرفدارانش از قدرت بربر کشته شود.

اینکه ارجه طرفی قدرتهای امپریالیستی در حال حاضر به حکام ایران همکاری می نماید و چگونه امپریالیسم آلمان در آن سهم می باشد، ما در اعلامیه آخرس خویش شرح نموده ایم که برای اطلاع شما به پیوست اس پیام می باشد. ما سر تا ما انقلاب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای انقلاب ضد امپریالیستی دیکرانیک و ضد سرمایه داری در ایران را تاسدی می نمائیم. برای شما در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی همچنان شما مست یگمیری و استواری جهت تفسیر شرایط سخته در کشورستان همس طور برای سازمانتان در مسیر حرکت برای دگرگونی انقلاب در ایران آرزوی موفقیت می نمائیم.

مرگ سردگناورها و خون آشام ها
رسده باد همبستگی بین المللی

اتحادیه کمونیستهای آلمان

کوسنگن - ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷

رفقای گرامی! خوشبختیم که همبستگی بین المللی و تیریکات انقلابی خود را به مناسبت شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمانتان ارسال داریم. ما افتخار میکنیم که در گرما گرم این دوران حساس و تاریخی به سازمان شما و خلق ایران درود بفرستیم. امروز در آمریکا لاتین و خصوصا شیلی ما شکل گیری فرم جدیدی ارتوطنه امپریالیسم را که تجلی از آن را در دیکراسی های محدود آرزانتین و اروگوئه می بینیم تقبیح کرده و آشکارا اعلام میداریم که در مبارزه هرگونه سازش و اتحاد با دشمن و نیروهای بورژوازی اپوزیسیون وارد نمیکنیم. ما آشکارا گفته ایم که هر حکومت موقتی که در چارچوب روابط اقتصادی - اجتماعی، سنتی نکل گیرد، قادر نخواهد بود بحران اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی موجود را حل کند. تنها توده های سازماندهی شده و مسلح قادر خواهند بود جامعه ای که بر پایه عدالت اجتماعی و دیکراسی استوار باشد یعنی یک جامعه انقلابی برپا دارند که به حواسها و آرمانهای بجای توده های شیلی پاسخگو باشد. مردمی که سالها است توسط دولت نظامی و دستگاه ارتش سرکوب شده اند.

رفقای گرامی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران! گرچه تا انقراض امپریالیسم راه طولانی در پیش داریم. ما امروز شاهد هستیم چگونه امضای قرارداد ارسال اسلحه به ایران توسط آمریکا، دولت ریگان را تضعیف کرده است. محاکمه پورتوریکوئی ها، محاکمه کسانی که به پناهندگان سیاسی آمریکا مرکزی پناه داده اند، قوانین مهاجرت که خصوصا بر جنبه پناهندگان سیاسی آمریکا لاتین عمل میکند، نمونه هایی از سیاست جدید ایالات متحده است. تبلیغات ضد کمونیستی روز بروز افزایش می یابد. از دید ایالات متحده صلح و عدالت مترادف است با کمونیسم. در شرایطی که آنچاسن ارسن از سلیتاریسم و دخالت آشکار و پنهان آمریکا در جهان سوم دفاع می کنند نیروهای مترقی و انقلابی دنیا خصوصا در آمریکای مرکزی و شیلی مضمم ترار همیشه مبارزه خود ادامه میدهند. طلوع سوسیالیسم سردیک است و خلیس هارچم کتورهای آزاد شده را برافراشته خواهند ساخت.

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

بیسروری حتمی است.

سرنگون باد رژیمهای سرکوبگر خمینی و بیوس
سرنگون باد امپریالیسم
رنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مردم ایران
جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)



پیام دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده

پیام کمیته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا

بمناسبت شانزدهمین سالگرد ستا خیر سیا هکل و تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اتحاد سوسیالیستهای سازمانده همبستگی خود را با مبارزات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برهبری آیت الله خمینی اعلام میدارد. از زمان تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعضا آن مبارزه قهرمانانه‌ای را علیه نیروهای ارتجاعی دردوره سلطنت پهلوی و سپس دوره حکومت جمهوری اسلامی در تحت سخت‌ترین شرایط سرکوب و خفقات ادامه دادند. کارنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درست برخلاف خیانت‌های حزب توده و جریان اکثریت است. حزب توده به اصل اولیه سوسیالیسم و مواضع طبقه کارگر خیانت کرده است. این خیانت نشانه خود را در آمادگی کامل این جریان برای همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب سوسیالیستها و مبارزان طبقه کارگرنشان داده است. اکثریت نیز بی پرسویی خود را در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است. از طبقه کارگر خواست تا از این رژیم بدلیل "فدامپریالیست" بودن آن حمایت نکند.

اتحاد سوسیالیستهای سازمانده در بریتانیا همچنین از موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با جنگ ایران و عراق حمایت میکند. برای کارگران هر دو کشور دشمن در درون مرزهای خودشان است. اتحاد سوسیالیستهای سازمانده درخواست میکند حزب طبقه کارگر حمایت خود را از شبح شورای ملی مفارم و جریان طرفدار سرمایه داری مجاهدین قطع کند. پیاده شدن سیاستهای شورای ملی مقاومت مجاهدین تنها موج سرکوب و خفقات طبقه کارگر در ایران را بدنبال خواهد داشت. در عوض جنبش کارگری سازمانده در بریتانیا باید گامهای اساسی در اعلام همبستگی با نیروهای چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بحثی از مسأله برای سرنگونی سرمایه داری در ایران و سطح جهانی میداند، اعلام دارد.

رفقای عزیز!
بمناسبت شانزدهمین سال ستا نگذاری دلیرانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا از روزی در درگنا رخلقه‌های مترقی دنیا در دو همبستگی استوار خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هوادارانش تقدیم دارد. تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سهمش در مبارزه توده‌های ایرانی در جهت بدست آوردن پیروزی غیرقابل اجتناب بر نیروهای امپریالیسم به رهبری آمریکا، احترام و حمایت همه مردم تحت ستم را در سراسر دنیا بر بی انگیزد. خلقهای تحت ستمی که خود در جهت نابودی سلطه سیستم ارتجاعی، بی رحم و پوسیدگی امپریالیستی و راننده‌های ستمگر، استعمار و استعمار رنو، صهیونیسم و استعمار رها جریما ره بر میخیزند. ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در تشدید آموزش سیاسی و تشکیلاتی توده‌های ایرانی تشویق مینمائیم. فقط از طریق یک پویانقلابی است که توده‌های بی‌نوشت خود را کنترل نموده و به پتانسیل خود بعنوان خلق بی خواهند برد.

حزب تمام خلقهای آفریقا تسلیم ناپذیرانه به حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و توده‌های ایرانی در مبارزه‌شان بر علیه تمام دشمنان خلق ادامه خواهد داد.

مرکز بر امپریالیسم
مرکز بر صهیونیسم
مرکز بر استعمار مهاجر
مرکز بر استعمار نسو

زنده باد توده‌های ایرانی
رنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نا همبستگی انقلابی :

کمیته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
اول فوریه ۱۹۸۷

دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده
۲۰ فوریه ۱۹۸۷

پیام سازمان راه انقلابی

رفقا!

ما انقلابیوی هستیم که با سرکار آمدن خونتای فاشیست در ۱۲ سپتامبر، نیر ما با سد در زندانها مقاومت کرده ایم، و از اندیشه‌های انقلابی خود در دادگاه دفاع نموده ایم. ما با سازمان راه انقلابی بر گریس سازمان سازی ترکیه هستیم که هنوز هم محاکمه ۷۲۵ نفر از اعضا، آزاد مدارد. از سازمانهای چریکهای آفریقا و عراق سیاسی سکیم و همبستگی خودمان را اعلام میکنیم.

با سودا داد امپریالیسم
با کارگران و خلقهای تحت ستم متحدیم

سازمان راه انقلابی

رفقا!

همراه با درویدهای انقلابی، خواهانیم که مراتب همبستگی خود را از مبارزات توده‌های رحمتکش ایران علیه رژیم فاشیستی- ارتجاعی به آگاهی‌تان برسانیم، و فراموش نکنیم که خلقهای ترکیه با احساسات همبستگی‌شان در کنار شما قرار دارند.

جنگ ما بین ایران و عراق در حال و زمانه، بدون انکس خلقهای دو کشور در آن زمینه نباشد، ما سبب تمام ندارم. وجود یک چنین وضعیت ربا سازی در منطقه، امپریالیسم را در پیشبرد سیاستهای منعم طلبانه‌تان تازی مینماید. همچنین رژیم‌های هر دو کشور با استفاده از طوفانی بدن جنگ میتوانند مسائل ناشی از مسأله‌های طبقاتی کشور خود، سر بر سر بگذارند.



رستاخیز سياهکل

اسماعیل معینی عراقی، محدث قندجی، عباس دانش بهزادی، شجاع الدین مشیدی، هادی فاضلی، ناصر سیف دلیل فاضلی، هادی بنده خدا لنگرودی، غفور حسن پورا صیل، محمدرحیم سماشی و مهدی سحافی با بذل جان خویش عملاً تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را اعلام و به اشراکات دهها سال خیانت حزب توده به جنبش کارگزاران و زحمتکشان ایران پایان دادند و تحقق اهداف طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران تأسیس شده در ۱۲۹۹ رادریستور کار سازمان قرار دادند.

رستاخیز سياهکل از این نظر نقطه عطفی در مبارزه طبقاتی ایران است که با سرکوشی و بی عملی سرپای وجود روشنفکران در پیله غزیده رافرا گرفته بود و حزب توده این جسم خیانت بواقع سد راه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان جامعه گشته بود.

عظمت حماسه سياهکل در این نهفته است که با امانت هسته شوریک و پراتیک خود نه تنها به زندگی محفلی روشنفکران خاتمه بخشید و حزب توده را تاریکاً بگور سپرد، بلکه شالوده سازمانی ستیزه جو، مقاوم، ادامه کار، بهیرو و بهیشتاز طبقه کارگر و مسلح به مارکسیست-لنینیست را بنیاد نهاد.

سياهکل بار دیگر عظمت و حقانیت سی چون و چرای آرمان طبقه کارگر، کمونیسم را که حزب توده خائن تسلان در مخدوش کردن آن در اذهان توده ها کرده بود، روشن تر، بدیع تر و سرخ تر در پیش روی توده های استثمار شده و ستمدیده ایران قرار داد و نوید رهائی بهیشت استمدیده از نظام سرمایه داری رادر دل کارگران و زحمتکشان شعله و راساخت.

سياهکل تنها یک عملیات نظامی بهرمانانه جدا از توده ها نبود، سياهکل سمل طغیان، غلبان و کوبندگی خشم کارگران و زحمتکشان جامعه از نظم موجود زسخت از دوران سکون، بی حرکتی و ریشهای غنیم و خفت با راپرونیست های زوده ای بود. سياهکل خط بطلانی بر تمامی موارد یاد شده بود.

عملیات دلبرانانه فدائیان خلق در سياهکل بعد از فرم شاه مزدور موسوم به سلاب سفید و سرکوب آخرین حرکتی های زوده ای، نخستین شعله مبارزه مسلحانه دامه دار علیه رژیم شاه برد که با سلسب سادائی برین حقوق و آرادیهای سیاسی و

اجتماعی از توده ها، میکوشید امنیست مطلوب امپریالیست ها و سرمایه داران را تأمین کند و بیش از پیش ثروتهای جامعه و دسترنج کارگران و زحمتکشان را به بیغما بپسرد.

سياهکل تعرض به رژیم بود که ایران را به صورت بزرگترین پایگاه نظامی سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی در منطقه در آورده بود و علاوه بر سرکوب داخلی، زاندارم و فادار امپریالیسم در خاور میانه و خلیج فارس شده بود. در چنان موقعیتی، سوز و با توجه به سیاستها سازشکارانه و خائسانه حزب توده که اعتماد توده ها را سببه بین آهنگ خدشه دار ساخته بود، مهمترین وظیفه کمونیستها پایان دادن به چنین وضعیتی بود، شرایطی که به گفته رفیق جان باخته مان امیر پرویز پویسان: " روشنفکران انقلابی هنوز فاقد هرگونه رابطه مستقیم با توده ها بودند و جو و خفت و خفقان حاکم نیز ایجاد هرگونه رابطه میان آنها را دشوار ساخته بود." طلسم این ضعف باید شکسته میشد، محاسل و گروههای جدا از هم می بایست جای خود را به یک سازمان منسجم، با برنامه و ادامه کار میداد و ارتباط مستقیم و استوار با توده ها باید بوجود می آمد. این همه باید در شرایطی تحقق می یافت که هنوز تا شهرات خیانت باز حزب توده در ذهن کارگران زده نشده و همچون مانع بزرگی در حرکت پیش آهنگ انقلابی بحساب می آمد. حماسه سياهکل تند آسا این طلسم رادر هم شکست.

و خشت و هراس شاه و امپریالیسم از حمله رفقا به پایگاه سياهکل آنچنان برای رژیم سرمایه داری مرک آور بود که رژیم نیروی عظیمی را برای سرکوب آنها به شمال و خنک اعزام داشت. حمسب اشرف سازمانگر ارزشمندمان در داده داشتها خود در مورد حماسه سياهکل می نویسد: " فرماندهی دسه کوهسان هسگاه پیش سنی نمیکرد که دشمن جس سرزی عظیمی را برای نابودی دسه کوچک هسب نغری کوه گسل دارد. سپید اوسی فرمانده زاندارم ری

کل شخماً در سياهکل ستاد عملیات تشکیل داد و عملیات راهبری میکرد. غلامرضا، برادر شاه هم برای بازرسی و سرکشی به سياهکل اعزام شده بود. افراد هنگ زاندارم ری گیلان تمام خطوط مواطالتی منطقه را شنید و کنترل میکرد و منطقه را به محاصره در آورده بودند. یک گردان ارتش از پادگان منجیل به سمت منطقه به حرکت در آمده بود.

فدائیان کوهستان مدت ۲۸ ساعت با قوای متمرکز دشمن پیکار کردند و آنگاه که مهاجمان به پایان رسید، دو نفرشان با دست زدن به عمل فدائی با انفجار نارنجک خودشان را با چندتن از عوامل دشمن نابود ساختند و دو نفر دیگر که رمقی در تن نداشتند به اسارت دشمن درآمدند. یکی از افراد توانست از محاصره خارج شود که چند روز بعد در ۱۸ اسفند در حوالی یک روستا به طور نیمه جان بافته شد. بدین ترتیب از دسته نه نفری کوهستان ۷ نفر به اسارت دشمن درآمدند و دوش در جنگل به شهادت رسیدند.

اگرچه رژیم شاه در ابتدا کمان میکرد با تسبیح عظیم نیرو و سرکوب و کشتن حماسه سازان سياهکل از بی آمدهای آن در امان خواهد بود، اما پراکنده شدن شعله های سياهکل، سوز و اعدام انقلابی فرسو جنایتکار عامل تیرباران سوزده فدائی، در جامعه و لوله افکنند و رژیم را کاملاً در برابر عظمت سياهکل به لرزه در آورد. بناچار رژیم شاه بمان از سباب امپریالیست اس ظا هر سازی را کنار گذاشت و برای دستیابی به فدائیان شناخته شده جایزه های مد هزار تومانی تعیین نمود و عکس های آنان را بر در و دیوار شهرها و روستاها چسباند. اما در این مورد نیز بسیاری از توده های کارگر و زحمتکش آگاه عکسها را از دیوارها کنده و آذین بخش خاند و کاتبه محفر خود کردند. دیگر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمان سازمانی سکیر و مدافع منافع طبقه کارگر با گرفته بود و میرفت ما پیوند هر چه عمیق تر با جنبش طبقه کارگر برچشم سرخ انقلاب را بر امراشته دارد.

سازمان نازریایی از تجربه جنگل فعالیت خود را هر چه پرتوان تر گسترش داد و مردم مرات جدیدی بر موجودیست رژیم وارد مساحت، اگر چه در این کارزار شغالی محمل برات بلسی نیز میگشت.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیکواتیک خلقهای ایران



هروری بر مهمترین درسهای انقلاب

سالها دیکتاتوری عربان و عساکر گسخته رژیم شاه اثرات مغرب و ویرانگر خود را بر جای گذاشته بود. توده‌های مردم در ناآگاهی مفراطی بسر می بردند. صف بندیهای روشن طبقاتی شکل نگرفته بود و نمایندگان سیاسی - ارگانیک اقشار و طبقات جامعه پدید نیامده بودند. عموم خلق، چون یک توده بی شکل و فاقد هویت طبقاتی به مبارزه علیه رژیم شاه برخاسته بودند.

در برابر توده‌هایی که خواهان درهم کوبیدن ارتش ضد خلقی هستند، اعلام می‌دارد که توطئه‌ای در دست اجرا است " می‌خواهند به مجرد رفتن شاه دسته‌هایی از مزدوران و اشرار را وادار کنند که به اسم ملت مسلمان حمله به ارتش و سربازخانه‌ها و شهرهای آنها و دیگر موسسات دولتی و نظامی کنند. مردم موظفند با نیروهای انتظامی و ارتش با برادری و مهربانی رفتار کنند و اگر اشرار قصد حمله به آنان را داشتند، از برادران خود دفاع کنند. " هویز نیز به سران ارتش دستور می‌دهد که با رفتن شاه از هرگونه اقدامی بپرهیزند و بدولت جدید اظهار وفاداری کنند.

بورژوازی متوسط رنسانس‌گرا ساسی آن نیز هنگامیکه پس از رویدادهای شهریور و آبان در برابر اعتلا روز افزون جنبش و طوفان بنیان کن انقلاب قرار گرفتند و هرگونه ایقان سلطنت را بر باد رفته دیدند، به یکباره جمهوریخواه شدند تا این بار نقش ضد انقلابی خود را از طریق سازش با سران خرده بورژوازی ایفای نمایند. نظم اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری را حفظ کنند، طوفان را فرو نمانند، نظم و امنیت را دوباره مستقر سازند و انقلاب را به کجراه بکشانند. و هنگامیکه به آسان تمام بر سرک میگردیم، اس سارن در حال شکل گرفتن است. سران جنبه ملی، سبقت آزادی، هیئت‌های مؤلفه و دار و دسته خمینی پیش از پس به یکدیگر سردک شدند. در این هنگام دولت نظامی اهراری که در اسامه ۵۷ سرسکار آمده بود کنار می‌رود و یکی دیگر از رنسانس‌گرا بورژوازی خمینی سخنان در اس دولت فرار می‌کند. اما او خیلی عقب مانده تر از اوضاع است که بتواند نقشی برای شاه و نظام حاکم ایفا کند.

در بیست و چهارم دیماه از سوی خمینی تشکیل شورای انقلاب و وظائف دولت موقت شرح زیر اعلام میگردد:

- ۱- تشکیل مجلس موسسان بمنظور تصویب قانون اساسی
- ۲- انجام انتخابات برای تعیین مصوبات مجلس موسسان و قانون اساسی جدید
- ۳- اسفغال قدرت به منتخبین جدید در بیست و ششم دیماه شاه پس از سالها ستم و سرکوب توده‌ها بدستور اربابان آمریکائی خود، بمنظور حفظ نظم موجود کنار می‌رود و به بهانه خستگی و سازه اسراحت و معالجه به خارج فرار میکند. سوده‌های مردم سراسر ایران فرار سادارند سناد بیروزی خود جشن میگیرند اما در همس زمان سارس ورد و بند مرتجعین، برای حد کردن اسفغال توده‌ها بمراسل سیاسی خود سردک میگردد.

چهارم درس و یکی از مهمترین درسهای انقلاب این است که انقلاب تنها با رهبری طبقه کارگر بمنوا طبقه مضم، قاطع و سازش ناپذیری که تاریخ رسالت دگرگونیهای عمر ما را بر عهده و قرار داده است، میساید ارسندویست و سازش و کجراه مضم ماند و به بیروزی برسد. خرده بورژوازی یعنی اشراری که بین بورژوازی و سروسارنا قرار گرفته‌اند، بعلت سبقت بر جنبه طبقاتی خود تحت منزلزل هستند. و از آنجاشک نادرسند اقتصاد ساسار را به سوده خود رهبری کنند. در سناد رهبری ضد کارگر، سد سالدروی از سروساری می‌انسد و ساسندگان ساسی اسناد سروسار سارس ساسور ساری را درس میگردند و در سب سارس و اسالی تریس مسائل ساس سروساری میسوند.

در این ایام هویز ژنرال آمریکائی به همراه تعدادی دیگر از مزدوران سارمان حاسوسی آمریکا بمنظور اجرای تصمیمات کسفر اس کوا و لویپ و اسفغال ساسلسا میر قدرت بدست اپورسیون سداسلانی رژیم شاه وارد تهران میشود. هویز مداکراتی با سران ارتش و سیر سارزگان، سبستی و اردیلسی انجام میدهد. سکی از مزدوران رژیم شاه " سبهد ریسی" س از نسام دردادگاه جنبه‌هایی از این سارس رافاس کرد و گفت: " هویز بره ایران آمد، در جلسه سران ارتش گفت شاه ساند سیرود و ارتش نسبت به دولت جدید اظهار وفاداری کند. وی سسسام سران ارسن در سسارد تلفس میدهد که در صورت لزوم از آسپاسا دسور سگرد. سکی سسارد سلسس سارزگان و دیگری سبسی.

در اوایل دیماه اوائل بهمن ساد دیگر عموم سوده‌های مردم به انقلاب

در چنین شرایطی طبقه کارگر که بسنا به شرایط وجودی طبقاتی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود، تنها طبقه سنا به آخر پیگیری و انقلابی است که میتوانسد بدون سازش، گذشت و عقب گرد انقلاب را به بیروزی قطعی برساند، بعلت فقدان شکل و آگاهی لازم نتوانست رهبری انقلاب را در دست گیرد. سارمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز که تنها سازمانی بود که در آن شرایط میتوانست منافع این طبقه را نمایندگی کند، علیرغم حضور فعالش در مبارزه، در موقعیتی نبود که مبارزه طبقه کارگر و جنبش انقلابی توده‌ای را رهبری کند. نتیجتاً در غیاب یک رهبری قاطع و سازش ناپذیر کارگری، رهبری جنبش بدست بخشهایی از خرده بورژوازی مرده و بورژوازی متوسط که ارامکانات و شکل سبستی بر خوردار بودند، افتاد. و با موج وسیع خرده بورژوازی و مذهبی که در آستانه قسام جامعه را فرا گرفته بود، عموم توده‌های مردم، از جمله طبقه کارگر از روی ناآگاهی این رهبری را پذیرا شدند. بدین طریق یک رهبری سازشکار و حیاست همیشه زمام امور جنبش را در دست گرفت.

خرده بورژوازی لایه‌های فوقانی که سانه شرایط و موقعیت طبقاتی خود، یعنی پیوند و خویشاوندی بسیار نزدیکش با بورژوازی بویژه در مقاطع حاس و در لحظاتی که سیردی تعیین کنندسده و سربوست سار سمان خلق. وض خلق، انقلاب و سداسللات در حرمان است. مستعد سارس و ساساسات، در اس جنبش قرار گرفت و سوده‌های وسیع سلسونی، توده‌های سس سارمان و ناآگاه رهبری خمینی را پذیرفتند و سآن اسسناد کردند. ساسس و خود علیرغم خصوصیات سازشکارانه و ساسسکارانه اس رهبری، ظرفیت و توان سبستی جنبش ساسان حد سوده سسنا سبستی اس رهبری سسوں و عفت ساسده. اس سسل سارس و سسنا سانه در سبشاپس سسکه سدسال خود میکشند و سس سسروشی سسار سسود سس سس ساس عظم را سسار کند.

سارس در سرف سکی سوده سسالی سکارگان سارس مرکب ارسا سسندگان سوسور ساری و خرده سوسور ساری قدرت ساسی را در دست میگردند، خمینی سزم خود را برای سارگس ساسار ساعظم سسکند، اوسسوں سسکوی ارگان سارس و ساسدار سظم موجود هرگونه سسرد را در اس محکوم سسکند و

مروری بر مهمترین دروسهای انقلاب

همافران برخاستند. از همین لحظه شعله‌های قیام مسلحانه مشتعل گردیدند. فردای آرزو، ۲۱ بهمن گردهمایی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در دانشگاه تهران بمناسبت ۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل شعله‌های قیام را مشتعل تر ساخت جمعیت عظیم شرکت کننده در این میتینگ با شعارهای "به یاری همافران نتایجیم" و "ایران را سراسر سیاهکل میکنیم"، سیل آسا بسوی پادگان فرج آباد حرکت درآمد. قیام آغاز شده بود، بروی دره‌ها جا سنگرهای خیابانی برپا گردید، باریکاد بندی توام با جنگ و گرسر رورهای گذشته، اکنون تبدیل به باریکادهای سراسری در بخش عظیمی از شهر تهران گردید. دستگیر بلندگوه‌های مرجعین شورشکار که بسا فریاد "اما حکم جهاد داده است" مردم راه آرامش و سازگشت به خانه‌هایشان دعوت میکردند، کار را رنج بود. قیام مسلحانه شعله‌های مردم ایران سرعت گسترش می یافت. مردم حمله به مراکز سرکوب و سم، دادگاهها، کلانتریها، موسسات دولتی و خاسوسی را آغاز کرده بودند، تمام باسرسی مدارم حومه سس مرفه، سوده‌های مردم با اعمیای باایی شب ۲۱ بهمن ماه حتی امراکر سرکوب راه تصرف خود در آورده و مسلح شده بودند فردای آرزو، ۲۲ بهمن، تعرض عمومی توده‌های برای ویران کردن نظم استعماری شاهنشاهی اسفادی همه‌جانبه خود میگرد. عموم مردم با تسخیر مراکز سرکوب مسلح شدند، قیام مسلحانه در شهرهای دیگر ایران سیر آغاز میسد. سوده‌ها سرخلاف خواست و تعایل سارتکاران مریح که رهبری جس را در دست گرفتند، با تسام مسلحانه خود رزم سلطنتی را از آنگون کردند. مسلح شدند و به اعمال اسور پیید سوده‌ای برداشتند. رزم ساد شد سسار هر جس از مریح سوزوزاری سسوزک و احضار اب امیرالسی دنام منکورد، سرگون بد، اما خلق سلطنتدان رهبری معمم و مریح و سار ساندسر ضد ساد کارگر، صعد سکل و آگاهی، سساد با سسی از زرد سوری را آگاهی به سداد سس و در راس آن جمعی مریح امکان داد که سس دویاره قدرت را دست گرفتند، سحای آنکه سوده‌های کارگر و عموم رجمسکان سسوزر روستا که ساسا در سس سسوزی را از رگین

بپیوسته‌اند، مبارزات شعله‌های مردم شکل کاملاً قهرآمیز خود گرفته است. باریکاد بندی در خبا بانها و چهار راه‌های شهرهای بزرگ، بسویژه در تهران به امری مستداول تبدیل شده است. درگیری‌های شدیدی میان توده‌های مردم و مزدوران ارتشی صورت میگیرد. تمام زمینه‌ها برای ارتقاء اشکال سیاسی، مبارزه به اشکال مسلحانه فراهم شده است. توده‌ها تنهارا راه را برای مقابله با ارتش مزدور و دیگر نیروهای سرکوبگر در مسلح شدن و قیام مسلحانه می بینند، شعار "رهبران ما را مسلح کنید" به شعار روز تبدیل میشود. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمان سیاسی مسلح برداشته عملیات نظامی خود می افزایش و در سبم بهمن ماه مقر ژاندارمری را در میدان ۲۴ اسفند مورد حمله مسلحانه قرار میدهد. در یازدهم بهمن ماه توده‌های مردم بانگها، شرکتیهای بزرگ، ماشینهای پلیس و ارتش و موسسات دولتی راه آتش میکنند. اکنون دیگر لحظه قیام فرا رسیده است. توده‌ها آماده قیام مسلحانه‌اند. اما خائنین و سازشکاران خلق را فروخته و فریانی کرده‌اند. آنها در حال گذران آخرین مراحل سازش‌اند. شانزدهم بهمن سازگان از جانب خمینی نخست وزیر میشود و دولت سازش ضد انقلاب بنام دولت موقت انقلاب پایه عرصه وجود میگذارد. در هجدهم بهمن ماه ژنرال آمریکائی هوپزر ایس مردور سیا به ما موریت خود در اسسوزان پایان میدهد، سازش به پایان رسیده است. بر طبق این سازش نظام اقتصاد اجتماعی موجود دست نخورده باقی میماند و قدرت می باید بطور مسالمت آمیز به ارگان سازشی که از نمایندگان سوزوزوای و خرده سوزوزوای تشکیل شده است منتقل گردد. ارگان ماشین دولتی کهن، ارتشی، سوزوکراسی و دیگر نهادی سرکوب سنا به ابزارهای حراست از منافع ستمگران و استعمارگران، سرمایه داران، زمینداران و میربالیم همچنان دست نخورده باقی میماند. اما سیر رویدادها بهمان کویسه سوزوکه سازشکاران و مرجعین میخواستند. در سبتم بهمن ماه جناح افراطی سلطنت طلب در ارتش که از تحولات در قدرت سیاسی رتعمیر رژیم سلطنتی خشمگین بود، سس شکام برای سرکوب همافرانی که به خلق سوسته بودند و در نظهرات و راهبمانی‌ها سس رژیم شاه شرکت فعال داشتند به پادگان فرج آباد حمله کرد، توده‌های مردم که آمادگی لازم را برای مداخله و سرکوب مرجعین سلطنت طلب داشتند، به ساری

کرده بودند. خود قدرت سیاسی را در دست گیرید، اجازه دادند که یک داروسته ضد انقلابی ارسا بنندگان سوزوزوای و خرده سوزوزواری سار شکار قدرت را در دست گیرند. صد انقلاب خود را سخنگوی انقلاب معرفی می کند و بنام انقلاب علیه انقلاب برمی حیزد. در حالیکه توده‌های مردم سرنگونی رژیم شاه را مقدمه‌ای برای تحولات انقلابی میدانند، دولت بازرگان بنام دولت انقلاب فرمان پایان انقلاب را صادر میکند و با قدرتی از توده‌ها و با اصطلاح گرا می‌دانش سدهای انقلاب از توده‌ها سس سخواهد که سحاه‌های خود با زگردند و احام اسوزراسر عهده دولت بگیرند. ارسا اظهار سرما سرداری میکند و خمینی انقلاب را احام سده اعظم میکند. اما قیام و ضرباتی که به ارگانهای سرکوب مرجعین وارد آمده بود، در محاسبات مرجعین معادلات ضد انقلاب چنان اغلالی پدید آورده بود که به سادگی امکان نداشت بتوانند آنرا جبران کنند.

پنجمین درس انقلاب این بود که توده‌ها مردم تنها با قیام مسلحانه خود نمیتوانند استکار عمل انقلابی را در دست بگیرند. طبقه ای که علیه ستمگران بها میخیزد، نمیتواند سسحو مسالمت آمیز، مرجعین را از آریکه قدرت بر سر کشد. لاجرم تنها قیام مسلحانه سسوزان سدها در هم شکستن ارگانهای ستمگری مرجعین، آنها را از قدرت بیزیر کشد.

اما قیام مسلحانه توده‌های مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همچنین نشان داد که اگر توده‌های قیام کننده سرتسا پای ماشین دولتی موجود و تمام ارگانهای سرکوب و ستمگری آن را از جمله ارتش، پلیس، دادگاهها، زندانها، سوزوکراسی و غیره را کلی درهم شکند، خود قدرت سیاسی را در دست بگیرند و از طریق ایجاد شوراهای تسلیح عمومی خلق به اعمال حاکمیت سپردازند، بلکه فقط ضرباتی به ماشین دولتی موجود و ارگانهای سرکوب، آن وارد آورند، جدا انقلاب سرتسا این دستگاه سرکوب و سس را با ساری و سنا وارد سسای قیام سوده‌ها را ساید خواهد کرد.

هنگامیکه سوده‌های مردم برخلاف سسابل و حواس مرجعین به قیام مسلحانه عسده رژیم شاه برخاستند و با سوزوزوای سس دادگاهها، کلانتریها، زندانها، موسسات دولتی و عموم ارگانها و سسدهای سرکوب و ستمگری، مسلح شدند و رژیم سلطنتی را به کور سپردند، انقلاب سساح دوگانه‌های سسار آورده سوز. ارتسوزو سسوزان رهبری معمم و فانی



مروزی بر مهمترین درسیهای انقلاب

دستاورد های انقلابی آن بود.

اما صد انقلاب بقدرت رسیده در ایران برای تحقق اهداف فدائقلابی خود تنها به خلق سلاح نوده ها سر داخت بلکه همراه با آن بازسازی ارگان ماشین دولتی، ارتش، بوروکراسی و تمامی نهادهای سرکوب را که در حین فیم مریه خورده بودند وظیفه فوری و عاجل خود قرار داد. او تلاش کرد انضباط و وفاداری را دوباره در ارتش احیا نماید، و برای ارتش حیثیتی دست و پا کند. او ارتش را برادر "ملت" خواند و سران مزدوران را که در روزهای قسام بدستور اربابان خود بمنظور جلوگیری از متلاشی شدن و درهم شکستن کامل ارتش پرچم های سفید را بر سر در پا دگا هها برافراشته بودند، بمنوا ن فرماندهان سوگند خورده ارتش جمهوری ما مـسـور سازماندهی دوباره ارتش کرد. مریه نسی یکی از ژنرالهای فدائقلابی دست پرورده شاه و آمریکا بمنسوان رئیس "ستاد ارتش ملی انقلاب" در رأس این سازماندهی قرار گرفت، فدائقلاب گوشتید ارتوهم و ناآگاهی توده مردمی که تصور میکردند هیئت حاکمه جدید نماینده و بیابگر منافع آنهاست برای این بازسازی ارتش استفاده کند، علاوه بر اس کونندما استفاده از هر خادنه جرئی ولحظه مناسب با درگیری کردن آن در در و حوردها و درگیریها پراکنده بمرور انسجام آن را بدان سار گرداند، تا نتواند سوده های مردم را سرکوب کند.

تخریسات دوران سارمن با توج این مسئله را به اثبات رساند، ما دام که ارگانهای ستم و سرکوب رژیم بازسازی نشده بودند، فدائقلاب در حالت بدامعی بسر میبرد و توده های مردم انقلاب را به جلو سوق میدادند، کارگران نوراسکسل میدادند، کارخانه ها را معادله میکردند، سرمایه داران را دستگیر می نمودند، و تولید را تحت کنترل خویش قرار میدادند، دهقانان به معادله انقلابی زمینهای رمننداران بزرگ را حراسه نمودند، اتحادیه و شورا تشکیل میدادند، واسکار عمل را در دست میگرفتند، سارمان در اادگاتیا با سکسل توراها واسحات تریا تها تریبند را بر مریخمس سک میگرفتند، در مریخمس مناطق نظیر برکمن محرا و کردستان، اسار اسکار عمل در دست سوده های ستم بر

طبقه کارگر، فصل آگاهی توده ها و اعتماد ناشی از زودبیاوری باعث گردید که قدرت سیاسی مجدداً در دست فدائقلاب قرار گیرد و کنترل بلاواسطه حکومت بدست مردم نیافتد. و از سوی دیگر توده مردم ابتکار عمل را در دست گرفته، مسلح شده بودند، ضرباتی جدی بر پیکر ابزارهای ستم و سرکوب طبقه حاکمه، ارتش، پلیس، ژاندارمری ساواک و غیره وارد آورده بودند و بسا ایجا دوگسترش شورا های کارخانه، شورا های سربازان و دهقانان، معادله کارخانسه و املاک سرما به داران و زمینداران، خواستار نداوم انقلاب بودند. این دوررشته ستایج انقلاب در سراسر دوران پس از قیام در همه عر مه ها خود را به شکل تمام دوگمشکن انقلاب و فدائقلاب برور داده است.

فدائقلاب تازه بقدرت رسیده پس از آنکه توده های مردم به قیام مسلحانه برخاستند و مسلح شدند با وضعیت سیاسی پیچیده ای روبرو بود. اونمیتوانست در حالیکه توده های مردم مسلح بودند، ابتکار عمل انقلابی را در دست داشتند، و بسا سلاح از دستاوردهای انقلابی خود حراست میکردند، به بازسازی نظم ستمگرانسه سرما به داری و بازسازی دستگاه دولتی موجود سپردا زد، نظم و امنیت گذاشتن را برقرار نماید و انقلاب را بشکست قطعی نکند. از این رو مقدم بر هر چیز خلق سلاح سوده ها، بازسازی ارتش و بوروکراسی و کلیت ماشین دولتی را در دستور کار قرار داد. برای سرورژوازی چیری و حشتناک تر و هولناک تر از مسلح شدن توده ها نیست. سوده های که سلاح بدست میگرفتند نشان میدهد که میخواهد طوق اسارت و سندی، ستم و استعمار را دور اندازد. فدائقلاب که بر بوم ناشی از ناآگاهی و رودبیاوری توده ها کتا، داشت بلافاصله پس از قیام از توده ها خواست که سلاح بر زمین بگذارند و آنرا بدولت فدائقلاب تحویل دهند. خمیسی مریخ که در روزهای قیام نتوانسته بود محوم توده ها را برای درهم شکستن ارگانها سرکوب کند، در ۲۴ بهمن اعلام کرد که "ما دم تمام اسلحه هائی که در دست مردم جمع شود" آری، فدائقلاب سیاسی تحت توده های مردم را به سر سود ممکن خلق سلاح کند، با سواسسد نارگران و رمنکشان ایران را سرکوب کند و دستاوردهای انقلابی شان را از آنها سرکوب کند.

انسون پس از گذشت ۸ سال از قیام سارمن حیف پس از همیشه آشکار شده است - خلق سلاح سوده ها بحسن گام ضد ستم برای سرکوب خلق و سارمان نمودن

و فدائقلاب جرات نمیکرد آشکارا آزادیها سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها را نگهدار کند، اما به محض اینکه ارگانهای سرکوب را تا حدی بازسازی کرد، تعرض خود را به انقلاب و دستاوردهای انقلابی توده ها آغاز نمود، خلق عرب را سرکوب کرد، در ترکمن صحرا به قتل عام توده ها پرداخت، لشکرکشی وسیع به کردستان را آغاز نمود تعطیل مطبوعات را به بهانه های مختلف از سر گرفت. مراکز و دفاتر سازمانهای سیاسی را سرچید، فعالیت علنی آنها را عملاً ممنوع کرد، ممنوعیت میتینگ، نظارات و اجتماعات را به مرحله اجرا در آورد. شورا های انقلابی را متلاشی کرد، قدم بقدم انقلاب را به عقب نشینی وادار نمود و دستاوردهای انقلابی توده ها را باز پس گرفت و هنگامیکه به آن مرحله از سازماندهی نیروهای سرکوب و ستمگری خود دست یافت که یک تعرض همه جا نبه را بسنه توده ها و انقلاب آغاز نماید، لحظه ای درنگ نکرد. از تیرماه سال ۶۰ بسورش گسترده و بیردنامه خود را آغاز کرد، تمام دستاوردهای انقلابی توده ها را از آنها سارمن گرفت، هر کوه آزادی سیاسی را از میان سرد دهها هزار سارمن به جوخه اعدام سرد دهها هزار تن دیگر را به زندان افکند، دسکا سوری عربان و عیان نگیشته خود را اسکا سارمن سوزی فهر و سرکوب فدائقلابی سارمن حاکم کرد، و چنان شرایطی بدست آورد که نه تنها امروز پس از گذشت ۸ سال از قیام هیچیک از در خواستهای دمکراتیک - فدائبرالیستی و ریمان سوده های مردم تحقق نیافتند، بلکه سراط زندگی آنها از هر حیث شاق و طاقت فرسا شده است.

شمن درس انقلاب به توده ها می آموزد که اگر انقلاب بسنه کاره باقی سماند، و در سمد راه متوقف گردد و سنا بیروزی مطنی پس سرود، فدائقلاب برای شکست مطنی انقلاب فوری ترین و عاجل ترین وظیفه خود را خلق سلاح توده ها و بازسازی ارگانها و نهاد های سرکوب و ستمگری که در حین انقلاب مریه خورده اند، قرار میدهد و با استفاده از هر فرصت مناسب قدم بقدم انقلاب را به عقب نشینی وامیدارد، دست آوردهای انقلابی سوده های مردم را از آنها سارمن میگردد.

سردستی ستمکد سوده های سمرده ایران زیر سارمن سراط حاکم و عدم تحقن و طاقت انقلاب، سارمن دیگر سک قیام مجدد سارمن سارمن، سارمن اسکا سارمن دیگر دستاوردهای انقلابی آنها عرصه نا را جگری



مروزی بر

مهمترین درسهای

انقلاب

در عرض ایجا دارگانهای اقتدارتوده ای همچون شوراها و تسلیح عمومی خلق همیشه پیروزیهای توده ها نتیجه کاره باقی خواهد ماند و خدا انقلاب در اولین فرصت دستاوردهای انقلابی آنها را با زین خواهد گرفت .

- مسئله اساسی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی است ، توده های مردمی که سه انقلاب برمیخیزند اگر خود را ساداً قدرت سیاسی را در دست نگیرند ، پیروزیها و دستاوردهای انقلابی آنها هر چند هم عظیم باشد ، با این وجود ، انقلاب سرانجام با شکست روبرو خواهد شد .

- تنها مبارزه انقلابی توده ها و تعرض مداوم علیه ضدانقلاب میتواند منجر به تحقق درخواستهای انقلابی توده ها گردد . بدون یک رشته مبارزه آشکار و انقلابی توده های ، تحقق خواسته های توده های مردم ممکن نیست .

- تجربه انقلاب ایران نفس اعتماد عمومی سیاسی و مقام مسلحانه را آسمان مناسب ترین اشکال مبارزه انقلابی برای سرنگونی طبقات حاکمه ارضاعی نشان

مدا انقلاب فرار نگیرد و انقلاب به سرانجام پیروز مندی برسد ، باید درسهای انقلاب را بدقت فرا گیرند و بدانند که : بدون رهبری طبقه کارگر برجسته ، انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد رسید . انقلاب طبقاتی و نهایتاً واقعی تمام اقشار و طبقات جامعه و نمایندگان سیاسی آنها را عریان کرد . انقلاب نشان داد که تمام طبقات و اقشار جامعه بیکسان برای دگرگونی و تحول انقلابی جامعه مبارزه نمیکنند و هر یک از زاویه منافع طبقاتی خود به تحولات مینگرند . طبقه کارگر تنها طبقه ای است که منافع اش در تحولات اساسی و بنیادی جامعه نهفته است ، هیچ قید و بندی او را به حفظ نظم موجود و انضام ندارد . و تنها طبقه ای است که شایسته و لایق رهبری انقلاب است . اما خرده بورژوازی بنا به موقعیت اقتصادی و سیاسی خود دارای سرشتی متناقض است ، تزلزل و ناستواری ذاتی این اقشار سبب میگردند که هیچگاه نتواند انقلاب را رهبری کنند و به پیروزی برسانند . خرده بورژوازی در غیاب رهبری طبقه کارگر بدنبال رهبری از بورژوازی می بردارد ، و نمایندگان سیاسی آن به مبارزه با بورژوازی دست میزنند :

- بدون درهم شکستن سر تا پای ماشین دولتی ، متلاشی کردن تمام ابزارها و ارگانهای ستمگری بورژوازی و

داد ، اعتماد عمومی سیاسی که برپاکننده آن اساساً طبقه کارگر است ، قادر است ، رژیم را در تمام عرصه ها فلج کند ، منابع تغذیه و درآمد آنها را قطع نماید ، و آنها را بزانو درآورد ، اما اعتماد به تنها کسی کافی نیست ، مکمل اعتماد عمومی سیاسی مقام مسلحانه توده ای برای سرنگونی طبقات حاکمه است .

- در حین هر انقلاب ، سازشکاران و فرصت طلبان میکوشند با نفوذ در جنبش و کسب رهبری آن انقلاب را از مسیر خود منحرف نمایند . توده های مردم در هر انقلاب باید هشیارانه این تلاشهای ارتجاعی را نقش بر آب کند . و اسیر فریبهای دغل کاران و سازشکاران و فریبمیت نشوند .

- انقلاب ایران نشان داد که اعتماد دناشی از رودبازی و ناآگاهی توده ها میبواند بزرگترین لغات را به انقلاب وارد آورد . توده های مردم ایران باید درس گیری از تجارب اخیر خود دیگر فریب وعده و وعیدهای دروغین فرصت طلبان را نخورند و سهر کن که وعده دمکراسی ، رفاه و آزادی را به آنها داد اعتماد نکند بلکه باید منای اعتماد خود را به هر سارمان و جریان سیاسی بر اساس عملکرد ، برنامه ، سیاست و سابقه مبارزاتی آن جریان قرار دهند .

بیاد رفیق

جهان



"جهان" کمونیست
"جهان" امروز
"جهان" آینده
"جهان" کارگران
"جهان" حیا
"جهان" بیک
"جهان" دانش
"جهان" ترجمه

"جهان" کمونیست

"جهان" آینده

جهان از میدان

با میدان

میدان آزادی

جهان از فرق آزادی

تا میدان انقلاب

جهان از فرار خودروهای کسار و

.....

یاد رفیق

★ **قاسم سیادت**

گرامی باد

قلب قاسم را از زمین بار اسناد که او به همراه سی جدار دستگیر رفتن پیشاپیش توده ها و با فریاد پیروزی خلق مردوران شاه را در ساختمان مرکزی رادسو در میدان آرک دورو میکرد . اگرچه او در این سرد جنایی جان نجات نیافته اما تا یک پیروزی را از آزادی سونگرس حیا سار رساندند . بدین نام و یاد سار انصاروی در تمام مراسم با زور و کجا سار با جاودانه تاریخ ساز را می سستندگان و سار سار سار سار سار

تکاپو برای

عبادت اند ، که ارضاع بقوی محور رژیم حسی بورژوازی متوسط و کوچک را آزادی خواهد کرده است . ار همین رو باید با هر فلم و مدنی اختلاف مردم و مقابله با اس رژیم شاه رخاست و در این راه جنبه متحد کارگری را نه کمک طلسم و بر میناسی " فصل مشترک احزاب سیاسی " برای پرکردن این حفره اشتدقیار سازمان داد . راه کارگر چینی میگوید " طرح دمکراسی به صورت مفروضه ای طبقاتی موجب زمین غیر چپ میشود "

اساس آن حده که راه کارگر میگوید حصر " جنبه متحد خلق " و دمکراسی ملی " چه چیز دیگری است ؟ بر میناسی چنین " اصول مشترکی " است که راه کارگر با کسب سیاسی خود را سستند اکثریتی های کشتگری رساندن میگردند ؛ در عمل مدنها قبل پس گرفته بود ، و راه جنبه " مشکی سونب انقلابیون کمونیست " (جنبه حده بررسی : هموارتر میگردد .



سیمای شهرها

در زیر بمبارانهای هوایی

کشته ها و خساراتی است که بمباران ۶ هفته ای شهرها بر جای گذاشته است.

در چنین شرایطی که بمباران مداوم شهرها هر روز جان عده ای را میکشد، مردم از ادامه کشتار به ستوه آمده بودند، خمینی در پیام به خانواده های قربانیان جنگ گفت: " مبارک باد بر خانواده های عزیز شهدا و مفقودین و اسرا و جانبازان و بر ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایداری خوبی به بنیانهای رسولی مبدل گشته اند که نه تهدید و اسفدرتها آنان را به هراس می افکند و نه از محاصره ها و کمبوندها به فغان میابند و نه از جنایت و وحشیگری های مدام دیوانه و افسارگسیخته و روبه زوال در زدن شهرها رو بران کردن خانه ها و مساجد و بیمارستانها خم به ابروی می آورند. ملت ما کمربندها را محکم بسته اند و از زن و مرد و پسر و جوان همه و همه بجز تعداد انگشت شماری منافق خود فروخته جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی در صحنه نبرد حقیقت در برابر باطل ایستاده اند و بر یکدیگر سفت میجویند. باید تمامی قدرتها و اسفدرتها بدانند که ما تا آخرین نفس و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعتلای کلمت الله ایستاده ایم."

دوباره خمینی در ۲۱ بهمن در جمع میهمانان ده فجر جمهوری اسلامی گفت: " تمامی بنیید با اینکه هر روز تقریباً ایران زده میشود و عده کثیری از مردم عادی داره خراب میشه خانه ها روشن، معدالک از همون زیر آوار که در میانند حرفشون این است که ما باید تا پیروزی جنگ کنیم."

اما آنچه واقعا در شهرها جریان داشت، کاملاً در جهت عکس سخنان خمینی بود، خمینی در واقع آرزوها و آمال خود را بیان میکرد حال آنکه بمباران ۶ هفته ای شهرها نشان داد که هر چه بود حاکمیت و توده ها به جنگ دوبرخورداری هیچ رس متفاوت است.

پس از بمبارانهای مداوم کرمانشاه، در این شهرتظاهراتی علیه جنگ برپا شد. ۳۰ دسام مردم همدان، سجان آمده اند و سمارانهای هواشناسی به نظر آنها رسارند. در هر روزی اس نظا هرات مزدوران به ری مردم آس گوسد رسعدادی کنند و رحمی سخای ماند.

در ژوئن ۶۵ شهرها حسد

بمباران شدند آنچه در تمام مناطقی بمباران شده عمومیت داشت، ترک شهرها توسط مردم بود. مردم حکم ارتجاعی را جنگ خود میدانند و حاضر نیستند قربانی آن شوند.

تا تاریخ ۱۲ بهمن قریب ۴۰ بمب در تبریز انداخته شد. تبریز در این تاریخ تقریباً خالی بود. در نقاط مختلف شهر کنار خیابانها سنگرهاشی کنده اند با این عنوان که هنگام حمله هوایی مردم به آن پناه ببرند و لسی اکثر مردم میکوبد که این حاله ها را کنده اند تا وقتی مردم علیه رژیم برخاستند، پاسداران از این جالدها بعنوان سنگر استفاده کنند.

در پی وجود مردم اکثراً شهر را طی بمبارانها تخلیه کردند. شهرهای اراک، قم، تهران و کرمانشاه نیز طی بمبارانها تخلیه شد. در اواسط بهمن ماه شهر تبریز تقریباً خالی از سکنه بود، مدارس عملاً توسط دانش آموزان تعطیل شده بود و آموزش و پرورش هم در ۱۸ بهمن بارش برف راپهانه کرد و بخشنا مدای داد مبنی بر اینکه بعلمت برودت هوا مدارس تا اطلاع ثانوی تعطیل است. مردم سراسر حتی بیمارانشان را از بیمارستانها خارج کرده بودند. در حالیکه رژیم مدام از مردم میخواست که در شهرها بمانند. فرماندار تبریز برای فرار از بیمارانشا به همراه خانواده اش به "اسمخ" یکی از روستاهای اطراف تبریز رفت. هیچک از روستائیان حاضر شد او را در خاداس بیدبرد تا اینکه یک پاسدار سراسی حاد پیدا کرد. بارانهای تبریز اجناسان را خارج کردند.

در اکثر شهرها هنگامیکه سمارانسی صورت میگرفت ماورین کمند و سیاه سا کسی هایشان سرعت در محل حاضر میشدند و مانع جمع مردم میشدند ولی با انتقال پس از هر بمباران سبل جمعیت بطرف نقاط بمباران شده سرازیر میشد. در تهران روز ۲۴ بهمن ماه یعنی یکروز پس از سماران آریا شهر، مردم دیگر مناطقی برای ددن میزان خرابیها و تلفات سمد آریا شهر سرازیر شدند و اهالی محل کسد خادهایشان در اثر بمباران خسارت دیده بود. چگونگی واقع را توضیح میدادند. پاسداران و سبجی هادرمان جمعیت سا لسان سخمی پرسه میدادند، شدیداً مردم را کسرول میکردند و از گرفتن هر کوسد عکس خودداری میکردند.

در شیراز از شروع ترم سیم ساد در دانشگاهها، دانشجویان چریکهای فدائی

کلاسهای درس حاضر نشدند و حتی تعدادی از دانشجویان تهرانی نیز به کلاس درس نرفتند. مدارس نیز بحال نیمه تعطیل در آمده بودند، عده ای اردانش آموزان به همراه خانواده هایشان به شهرستانها رفتند. در زمان نیمه تعطیل شدن مدارس از سوی دانش آموزان، این شایعه قوت گرفته بود که بین اکرمی وری شهری در رابطه با تعطیل مدارس اختلاف نظر بوده است. اکرمی معتقد بوده که مدارس را تعطیل اعلام کنند اما ری شهری میگفته که با اعلام رسمی تعطیل مدارس، شهرتخلیه خواهد شد به همین جهت باید مدارس باز بمانند، که با تعطیل مدارس از سسری دانش آموزان دولت بناگزیبر مدارس را بطور رسمی تعطیل اعلام کرد.

هنگامیکه سبل جمعیت از تهران به سوی شهرستانها روان بود، دولت جاده جالوس را از ۲۶ بهمن بمدت ۱۵ روز مسدود اعلام کرد. علت بسته شدن جاده را رژیم نصب دستگاه تهویه برای توشل کنندگان اعلام کرده بود اما مردم معتقد بودند که این عمل برای جلوگیری از تشرک تهران توسط مردم انجام گرفته و احتمال دارد جاده هر از رانیز با بهانه سهای سندنند. مردم در صحبت های شان میگفتند رژیم سهر طریق شده میخواهد ما را در شهرها نگه دارد. رژیم میخواهد ما را زنده بگور کند.

ترک شهرها در کردستان جلوه بارزتری داشت. در سنج مردم از شهر خارج شده و به صحرا و روستاهای اطراف پناه میبردند درگیری بین مردم و پاسداران در دوره بمباران شهرها از حد بالائی برخوردار بود مردم علناً به پاسداران دشنام میدادند. در کسری لفظی و حتی مواردی از کتک کاری با پاسداران گزارش شده است. حتی خبری حاکی است که در سنج ۳ پاسدار بدست مردم کشته شده اند. مدارس تعطیل و ادارات دولتی بصورت نیمه تعطیل در آمده و مردم به خواست رژیم مبنی بر حاضر شدن سمرکار اعتناشی نداشتند.

اهالی شهر سغرزوزها به صحراهای اطراف پناه میبردند و شبها به منزل خود در شهر بازمی گشتند. عده ای سبزر در روستاها خانه گرایه کرده و با به منزل اقوام خود رفته بودند. مدارس ابتدائی کاملاً بصورت تعطیل در آمده و مدارس متوسطه نیز از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر درس میکردند. شهرها سکه هم هدف سماران قرار

منگرفت و هم در سراسر سبخانه اس

رسانایز سباهکل

وسعت ضربات دربرخی مواقع آنچنان بزرگ بود که بدو ایران ناپذیرمی نمود بویژه ضربات سالهای ۵۰ و ۵۵ در دوران رژیم شاه و ضربات ۱۳۶۰ در دوران رژیم جمهوری اسلامی. اما با این همه برپایه اراده استوار و تزلزل ناپذیر و جانبازیها و مقامهای شجاعانه و تلاشهای بی گمراهها رفیق فدائی و همچنین با اتکاء به حمایت بیدریغ کارگران و زحمتکشان سازمان پای برجا باقی ماند و پیکار خونین و سرخ را پیش برد و همچنان به پیش میبرد.

آری، در سرگردانی که تا به امروز همچنان ادامه دارد تاریخچه مبارزاتی سرافراز و شیب سازمان ما گواه روشنی بر اسما نخل ناپذیر به راه سرخ طبقه کارگر و از موضع این طبقه دفاع از منافع زحمتکشان و دشمنی قاطع و سازش ناپذیر با امپریالیسم سرمایه داران ایورتونیم، فرمیسیم و رویزیونیسم می باشد. مبارزه قاطعی که نه تنها در دوران رژیم شاه بلکه از همسایان نخستین روزهای روی کار آمدن مرتجعین جمهوری اسلامی سیر همچنان بی وقفه ادامه دارد.

"رسیده باد سباهکل"

شکست نظامی اخیر

یک شکست سیاسی بزرگ

فرار از جبهه شدید خواهد شد. شمسار حمله قریب الوقوع برای پایان دادن به جنگ تا پایان سال جاری که از مدتها پیش توسط دارودسته حاکم عنوان شده نبود، عملاً نوعی آتش بس میان جناحهای رقیب بدد آورده بود. با عدم تحقق این شعار بار دیگر نمادهای درونی هیئت حاکمه سیر تند خواهد شد. و هر جناح میگوید جناح دیگر را مسئول شکست ها و خامت روز اینوزن اوضاع معرفی کند. تمام آنچه که دگر شد نشان میدهد شکست نظامی احمر رژیم در عملیات موسوم به کربلای ۲، ۵ و ۶ یک شکست سیاسی محسوب میگردد که در پی خود رژیم را ساک بخران ساسی بسار و خیم رویترز خواهد ساخت و روند سرویاشی و سرنگونی آنرا سرخ خواهد کرد.

بیب به فرصت بسیاران هوایی در پی یک ساختمان مخروبه منفجر شد و بلافاصله نیروهای امنیتی و انتظامی کمیته وارد محل شدند و با به محاصره در آوردن محل انفجار و اطراف آن و نیروهای انتظامی برای پیشگیری از هرگونه سرفت احتمالی و دخالت ستون پنجم در محل آسیب دیده امکاناتی برای کار امدادگران فراهم آوردند. نیروهای ژاندارمری نیز به عنوان پشتیبانی از عملیات، اطراف محل مستقر شدند تا در موقع مناسب و شباز وارد عمل شوند.

قائم مقام کمیته های انقلاب اسلامی نیز در مورد این ماثور گفت: "یکی از کمیته های دهگانه ستاد پشتیبانی مناطق جنگی، کمیته امنیتی و انتظامی است که در این کمیته شهرتانی و ژاندارمری بسیج و کمیته انقلاب اسلامی شرکت دارند و مسئولیت سرفراری امنیت در مناطق سماران شده راه عهده دارند. مسئولیت کمیته امنیتی و انتظامی در استان تهران بعهده کمیته انقلاب اسلامی است و این نهاد موظف است با همکاری سایر نیروها در زمان بمباران شهرها، امنیت را بلافاصله برقرار کند. در زمان بمباران حلقه اول امداد و امنیت توسط نیروهای کمیته تشکیل میشود و پس از پایان کار امدادگران، حفظ و حراست منطقه در سپهر بعهده شهرتانی و در خارج سپهر در ژاندارمری است." او ماثور انجام شد را موقفت آمیز خواند.

سونه های هر چند محدودی از واکنس توده ها در قبال سماران سپهرها و سیاستهایی که رژیم در حس و معافست بمبارانها در پیش گرفت، بحری نشان میدهند که جنگ ارتجاعی و سماران شهرها در تداوم خود ماثور و بدبختی های فراوانی برای توده ها در استان آورده. همین امر مضافاً شاحت بوده است از ماهیت ارتجاعی رژیم باعث شده است که جنگ همانگونه که در این تمامی مسائل عمده رژیم قرار دارد (حاکمیت سیاستهای خود را از طریق ان به پیش میبرد، به محور سماران را اغراضات توده ها علیه رژیم سز بددل ندهد، حاکمیت جمهوری اسلامی را حاکم کرده و خورده است اما جنگ اکسور بر مصادفات ارتد رژیم ابراه اندازی آن عمل نمکند و کانال عمده رود روشی کارگران و زحمتکشان با ارتجاع حاکم است.



سیمای شهرها

در زیر بمبارانهای هوایی

نخلیه شده بود مردم خانه به روستاهای اطراف پناه برده بودند. با سماران حتمگین از خالی شدن شهر بر خورده های حشونت آمیزتری با توده های مردمی داشتند که نمیخواستند در اثر بمباران و توپ باران کشته شوند و برای نجات جان خود از شهر خارج میشدند.

با تشدید بمباران هوایی بسیاری از شهرها از سکنه خالی شده بود و برخی از شهرها که دور از مرز عراق نیز بودند با یک کوچ دو طرفه روبرو گشتند. از یک سو اهالی خود این شهرها به مناطق اطراف پناهگاه میبردند و از سوی دیگر اهالی شهرتانی که مداوماً بمباران میشدند به این شهرها روی می آوردند.

طبیعی است که این وضعیت به هیچوجه نمیتوانست مطلوب حکومت باشد چه در شرایطی که سران جمهوری اسلامی دائماً مردم را دعوت به ماندن در شهرها میکردند و در شرایطی که سران حکومت در سخنرانی ها جنون جنگ طلبی خود را به پای توده ها میگذاشتند، در شرایطی که حتمی مرتجع اعلام کرد تا آخرین نفر با آخرین خانه و تا آخرین قطره خونس کارگران و زحمتکشان جنگ باید تسدازم باشد. آنچه به عینه جریان داشتست، مخالفت آشکار و علنی با این جنون جنگ طلبی بود. نیمه تعطیل شدن مدارس، دانشگاهها و خالی شدن شهرها با واقع اعلام اعتراض علنی توده ها نسبت به جنگ و سماران شهرها بود. پس رژیم سیاستی را در پیش گرفت که بر عزم خود هم از خروج مردم از شهرها جلوگیری کند و هم سلطه سروهای سرکوبگری در سطح شهرها هنگام سمارانها را افزایش دهد. در همین رابطه "هفته بسیج سنگر سازی بسرای سناله با بمبارانهای هوایی " علم شد. سادی در نخست وزیری تشکیل شد که با همکاری کمیته شهرتانی، ژاندارمری بر نامه طرح ریزی شده راه انجسام برساند. سناهانگاهی به مراسم که طی سروز از هفته بسیج سنگر سازی انجسام شد، خورد هدف از این طرح را روشن می سازد. در تاریخ ۲۶ پهمن رادیوسو رژیم اعلام کرد: "کمیته انقلاب اسلامی با همکاری ژاندارمری و سماران تسداد خال احمر به منظور آماده کردن نیروها برای معالجه با سماران هوایی ماثوری - ستر شهید مسطری کمیته انقلاب اسلامی سزای کردید. در این ماثور اسد سک



تکاپویاری تقویت ثقل رفرمیسم جدید

هنکاري وهما هنگي در مبارزه سراسري سرنكوني رژيم " بيا فكنيم تا تمام آن اسلوبی كه ضرورت حمايت از خميني ورژيم جمهوري اسلامي را توجيه ميكرد، در اينجا دوباره باز باييم توجه كنيم! كشتگريها ميگويند:

" در مبارزه با رژيم جمهوري اسلامي ومواجهه با شرايط كنوني، شيوههاي مختلفي وجود دارند وسياستهاي متفاوتي پيش ميبرند. اپوزيسيون ضد انقلابي، يعني سلطنت طلبان ... مردم را بيهوش رويگرداني از هرنوع انقلاب وانقلابيگري راديكاليسم فراميخوانند."

ظاهراً آغاز زيركانهاي است! سروهاي مختلفي وجود دارند كه سياستهاي متفاوتي را پيش ميبرند. مسئله بر سر خشم است. پس كشتگريها هم اول بايد حساب اپوزيسيون ضد انقلاب را ارحساب اپوزيسيون غيرمدانقلاب جدا كنند، تا بعد ناخياب راحت بهر سئو و بيستري را مجاز بدانند. براه گذشته رايانگلي جديد پي ميگيرند. زچه راحت تر از اين كه تمام كاسه و كره هاي ضد انقلاب بر فقط سلطنت طلبان حراب شود. سلطنت طلبان كه با هر نوع انقلاب راديكاليسم مخالفاند و طالبند كه مردم سير از انقلابيگري رويگردان شوند. اس درس. اما اشكال كار هم نبط درهمس است. " اشكال كساري كه از سوي كشتگريها اما آگاهانه سانه رسالت خرابكاري شان در جبهه كارگري ضعيف ميشود. با اين آغاز كل سروهاي ضد انقلابي به سلطنت طلبان ختمه ميشود. در بعد كشتگريها سروهاي مدافعان و انقلابي از پايگاه طبقاتي شان مسرع ميخورد وكلا در تبیین سروهاي سياسي معيار دلخواهي، نسبي وغير طبقاتي معمزل ميگردد تا راه براي مانور وتقويت نقل رفرميسم جديد هموار شود.

از همین رو است كه در كل بحثي كه كشتگريها در رابطه با سروهاي سياسي عمل مي آورند، ما نه با سروهائي كه ر موضع طبقاتي مشخص حركت ميكنند بلکه با سروهائي فراطبقاتي رويرو هستيم. سروهائي كه بحر سلطنت طلبان در اپوزيسيون ضد انقلابي قرار ندارند ولذا راه سرنكاري وهما هنگي كشيده است. گزارش سياسي پس از اس آغاز دادامسده

سدهد كه: " لسيرالها و شاخص برس نما سدهد آشنا " بهست آزادي ايران " سروهائي

سازشكاري هستند كه اساس حاكميت جمهوري اسلامي را مي پذيرند وآنگاه در چارچوب اين نظام اصلاحاتي را كه از مسدود ه منافع خاص خودشان فراتر نميرود طلب ميكنند. (اما) همین واقعيت كسه لسيرالها اساس رژيم جمهوري اسلامي، يعني مانع اصلي پيشرفت جامعه ما و دشمن اصلي دمكراسي در ايران را مي پذيرند، به تنهائي كافي است تا سازشكاري لسيرالها و خود غرضانه بودن آزاديخواهي شان، روشن شود "

اسلوب همان اسلوبی است كه زماني به نوشتن نامه سرگشاده به باررگان، نخست وزير منتخب امام منجر شد. مفروما هيچ تفاوت اساسي نكرده است. لسدا نتايج نيز همان خواهد بود. كه بود. گيريم رمانی خميني و جمهوري اسلامي. ز امروز همان مضمون با اشكال وافسرداي ديگر. مفروضات روشن است:

۱ - بورژوازي ايران يك سئروي ضد انقلابي نيست. اين فقط بحس سلطنت طلبان بورژوازي است كه مردم را بيهوش رويگرداني از انقلاب فراميخواند.

۲ - لسيرالها سئروئي ضد انقلابي نيستند، بلکه سازشكار وجود غيرشان است. از اين مفروضات جزاين چه نتيجهاي عايد ميشود كه با اصطلاح كمونسئنهائي همسوز اكترسي هاي كسگري با سداد را سرنكاري لسيرالها سدهد و رسدهاي خود عمري آنان را حسي دارند!

كسگريها حما در انار لسسي خوانده اند كه وي لسيراليهاي روس را سازشكار وجود غيري بي ساند. در آسيبگام كه قدرت مطلقه ساسي در دستان سزار سمانه دولت سئودالي قرار داشت و حامد انقلاب بورژوازي دمكراسك را در سس روي داشت. و سوزرواري همسوز آمدهاي براي كسري، لسس لسيرالهاي را كه با حكومت مطلقه سزاري اردرسند و سوارد كشيده بودند سازشكار وجود غرض نامند. اما امروز در سراطبي كه قدرت ساسي به يك قدرت ساسي سئودالي و حامد سرنك حاسده سزمانه داري است كه همس روابط سزمانه داري مانع اصلي سسرت احساني - سسنادي بحسوز سمود. اسئو سازشكاري وجود عمري سده بحثي از سوزرواري جز حسكداري سده سزمانه سزمانه داري همج سمانه ديگري ندارد. حرت سده سسجس سمانه سده سئوري سراجل اسئو اس را سرنه سمكن و

در مقابل سرنكوني جمهوري اسلامي دمكراسي ملي را عنوان مي نماييد و كشتگريها به دليل آبرويانگي اين سزه بايك نقد صوري، آنچه را كه از در سسرون ميكنند از پنجره بدورن مي آورند.

در حقيقت مضمون آنچه كه در بخش " در راه همكاري وهما هنگي در مبارزه براي سرنكوني رژيم " در گزارش سياسي مبوب پلنوم هفتم كشتگري ها آمده است، در اساس اريكسو منطبق با سياست " همكاري وهما هنگي " حرت سده واكثريت است و از سوي ديگر با آنچه كه راه كارگر عنوان ميكد. سرفسناظر اشكل بيان، همس هكوني در مضمون است كه كشتگريها رايه اتخاذ " مني تفريت ثقل انقلابي سون كمونسيت " (يعني تقويت ثقل رفرميسم جديد) تقويي سموده و راه كارگر رايه سحميداز اس " گام كيفا مثبت " به شيوه سرحورد اس " سروهاي كمونسيت " نسبت به سوزرواري سرحه كسد:

حرت سده سكونيد: " تشكيل جبهه متحد خلق براي خشي كردن تزلزل ها و سازشكاريهاي سوزرواري لسيرال ضروري است. رسامه مردم ۱۳۵ "

اكثريت در گزارش هيات سياسي به پلنوم وسيع كميته مركري در بخش آراي ساسي سروهاي اپوزيسيون وسياست سمانه سكونيد: " حريان سوزروائي - لسيرال گروه ديگر اپوزيسيون است. در طيسف آنان، هم گروههاي مذهبي و گروههاي غير مذهبي وجود دارند. اين نيرو تلاقش ميكنند كه در اس مبارزات مردم قرار گيرد و سروي توده ها را در جهت اهداف خود غرضانه وسازشكارانه منحرف سارد."

اكثريتي هاي كشتگري: " لسيرالها سروهاي سازشكاري هستند (و اساست - قانسان) به سنهاي كافي است تا سازشكاري و خود غرضانه سردن آزادي خواهي شان روشن شود."

وسالخره راه كارگر ميگويد: " رتاج سوي تصور رژيم خميني لسيراليسم سوزرواري متوسط وكوچك را سمراتب نسبت به دوره شاه تقويت كرده وآنان رايه دفاع از دمكراسي سوزروائي سوي داده است... در جنگ عليه رژيم خميني ما مي توانيم سسه سازشائي با آنان دست بزيم ز سسرادر آزاديهاي سياسي ذبيفغانده... اين بدان معناست كه عقد سازشائي موقت سسا آسان سمنظور سبط قدرت طبقيه كارگري ر حيهه اعتدلي دمكراسك سبطور كلي ميباشد."

(راه كارگر - سئوريك يك و راه كارگر ۲۳. مضمون سده سرحر در تمامي اين سروهائي



تکا پو برای تقویت ثقل رفرمیسم جدید

نامزد "تقویت انقلابیون کمونیست" از سوی کشتکریها هستند یکمان است، هرچند در شکل ارائه آن تفاوتها مشاهده شود. تمامی این نیروها سورژوازی لیبرال را نیروی سازشکارو خودغرض ارزیابی میکنند. هرچند راهکارگرد حرف ادعا میکنند که تمامی بخشهای سورژوازی فدائینفی اند. اما وقتی که پای سیاستهای عملی بمیان میآید، همان تاکتیکهای سیاسی را ارائه میدهد که سایر نیروهای یاد شده ارائه داده اند.

بر مبنای ارزیابی از توان و رسالت نیروهای طبقاتی است که حزب توده و اکثریت "جبهه متحد خلق" را پیش میکشند. کشتکریها از نقد موری این جبهه آغسار میکنند و در عمل جبهه متحد خلق را بدون عنران آن، مطرح میازند. و راهکارگر برای برگردن حفره هولناک ولایت معیبه سارشافی را با سورژوازی متوسط زکویک سجاز سندانس چرا که این بخش سورژوازی در ارا دسهای سیاسی دنسنع اند.

بر حورد کشتکریها و ایضا راهکارگر و سارسان مزدهای کشتکریها به نیروهای عمر پرولتری و مترقی نیز یکسان است. در اس بخش آرا این نیروهای سیاسی تمامی این جزئیانات مجاهدین را که یک نیروی سورژوازی است، از پایگاه طبقاتی اش جدا میازند و آراد در اس نیروهای مترقی عمر پرولتری قرار میدهند. این همان سوهی است که کار راه حمایت از جمهوری اسلامی ونحص خمینی کشاندند. سجد کام از اس نیروها مشخص نمیاازند که بالاخره مجاهدین موضع کدام طبقه و با تثر اجتماعی را سامانگی میکنند. انزاع نیروهای سیاسی از پایگاه و موصسنع ضغاسی شان آن نکرده اپورتوسمستی و کاسکار راهای است که از سوی تمام اس سروها - بدرجات گوناگون - دنسسال پیشود با قدرت "ساور" شان کدارشیده مرت بوده است. محدود نگردد.

در گرایش سیاسی مصوب پلسوم اکثریتی های کشتکری در اس مسورد نسحواسم که: "در خارج ارجسسن کنونیستی یکی اس سروهای مهم اپورتوسیزن برنی حواء سازمان مجاهدین خلق ایران است."

وفنی که لیبرالهای فدائینفای از نطه سغرا کشتکری های کشتکری نیروسی سازشکار وجود عرض ارزیابی شود، بی شک نباید از برنی حواهی مجاهدین سنانس

نیروی مهم اپورتوسون برنی حواء برنجب کرد. با وجود اس سسرای ترک بر خورد های اپورتوسینی اکثریتی های کشتکری سهوده نخواهد بود که سلاک ترقی حواهی ومهم بودن را از زبان خودشان بشنوزیم. گزارش سیاسی می نویسد:

"سازمان مجاهدین در جریان سالهای اخیر بتدریج از موضع دیمکراتیک و رادیکال گذشته فاصله گرفته و مشیای ضد دیمکراتیک در پیش گرفته است. رویگردانی سارمان مجاهدین از دیمکراسی، قبل از هر چیز خود را یاد شده گرفتس نفس نسمن کننده نوده های مسردم ر سارماندهی مقاومت بوده ای در بریکوسی رژیم و حای اینها اسکا، بد سسروی تشکیستی خود را حمایت های سب المللی نشان میدهد. این مشی محسسنس، در بر خورد قیم مایانه سوار رد مسردم، ز نسمن "رهبری انطب سوس مردم ایران" و حکومت جانشین به ساسار نوده ها، بیان میشود."

توجه کردید؟ آخراین مسحه هاش که حتی نیروی همچون اکثریتی های کشتکری هم نمیتوانند آنرا نادیده بگیرد سار ترقی حواهی چه ربط و پیوندی دارد؟ حتی بر اساس همین اظهارات گزارش سیاسی، س کدام ملاک و معیار میاهدین سسرونی بر مسجواد محسرت میشود؟ آسهم نیروی مپسسم اپوزیسیون ترقی حواد!

سهوده است که اگر کمی رن سلس کند و بخواهد ارا گرایش سیاسی کسکریها ملاکی را برای ترقی حواهی مجاهدین سباد. در حقیقت خود مجاهدین با مام جس سبت کشتکریها جانی برای بزک کردنشان هم باقی نگذارده اند. ساس سهار سغه نظر اکثریتی های کشتکری مجاهدین، نیروی ترقی حواد اند. و گزارش سیاسی که در مانده است کدام ملاک را بد سنس نکند بالاخره مکتوب:

"سای همه سوم مهم سازشکار مجاهدین خلق در مبارزه علیه رژیم سمس چسپی عمر قابل اشکار اس در اس ساررد سانهجه به اسکه در سراط حاصر رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی سسرتسسم حاصمه دشمن اصلی مردم ایران است. دارای نفس سسرنی است."

آری، ملاک سافه بد. کسکریها سسرا بریک دور کردن درد ابره نقد سوری، به همان سغه ای رسیده اس که مدعی نقدین سوده، زمانی رژیم ساد مانع اصلی سسرت

حاصه ارزیابی شد بر مبنای مشسی رفرمستی، از سار ریس بر علیه رژیم شاه ونحص آیت الله خمینی حمایت بعمل آمد و تحلیل شد. و سافس ملاک کنونیسی ترقی حواد نامیده شد. و حال مجسدد اکثریتی های کشتکری بمنظور انجام مجدد رسالت شان یعنی نفی استقل طبقاتی کارگران و حفظ نظام سرمایه داری، همان مشی گذشته را در قالبی جدید و سسسا بازی گراشی جدید تعقیب میکنند.

بر اساس این نقد موری و حقوقی کشتکریها از گذشته است که راهکارگر اعلام میدارد که دیگر نیازی به پایکسوت سیاسی نمی بیند. البته راهکارگر استقاداتی به گزارش سیاسی کشتکریها وارد می آورد اما این استقادات بهمان اندازه حدی است که بعد کشتکریها از گذشته شان، سجراس و صرمنظر اشکل ارائه معاهم، آسکه کشتکریها در سساره مهمرس مسائل مطرح میازند تفاوت اساسی سآسند که راهکارگر مطرح میکند ندارد. و همین مسئله است که زمینه عینی نفوت ثقل رفرمس حدد را تشکسل میدهد.

بر اساس این ارزیابی مشترک از صف سدی سروهای طبقاتی سیاسی، سراط ساررد ضغاسی و وظیفه عمده این ایام است که حلقه اصلی در نسبن انقلاب سر حاصل مسود و سرح منطوق میگردد.

اکتریتی های کشتکری مکتوبند:

"رسم جمهوری اسلامی بانفی اشکار حق حاکمیت مردم ایران تحت لوای "ولایت فقه" س ترکیب استبداد سیاسی و اختناق مذهبی مانع اصلی دیمکراسی در ایران است" اس درست. اما چه قدرت سیاسی باید جایگزین اس رژیم شود؟ در اینجا است که مسئله اختلافها و اهداف و وظائفا سغوت مطرح مسود. برای کشتکریها که نیروهای سیاسی را مسترغ از پایگاه طبقاتی سسری میکنند وجود راجاز میدانسند سروهای حید سسرتک" سده به سراط سسط سحن هر دوره و ساسوائی مشترک معسین

سرد. سبیزم انقلاب و قدرت سیاسی متناظر سآن سساسب منطق س مغانله سسسا سارشکاری وجود عرضی سورژوازی لیبرال سنس سود. جس جهدهای و سسردت سیاسی سساظر سآن هیچ نیست مگس "جهه خلق" و "دیمکراسی ملی" که از سوی حزب سوده و اکثریت عموان میشود.

راهکارگر چه مکتوب: راهکارگر مکتوبید که دیمکراسی پرولتری و دیمکراسی سورژواشی هر دو ارجهره هولناک ولایت فقیه در

گرامی باد یاد رفیق

حمید مؤمنی



سارمان چریکهای فدائی خلق ایران در طول حیات خونبارش رفیقای گرانقدر بسیاری را در راه انقلاب از دست داده است. از جمله رفیقائی که نقشی برجسته در ارتقاء شوریک سازمان داشت نویسنده و مورخ انقلابی فدائی خلق رفیق حمید مؤمنی می باشد.

حمید ساریپوسن به سازمان در سال ۱۳۵۲ با توجه به احاطه در مسائل شوریک مارکسیستی با تدوین مقالاتی چون " چهار مقاله " در پاسخ به فرست طلبان سورس به. قدمهای سنجیده در راه انقلاب " در سنجی و گسری نظرات سارمان تا شیر سار داستان رهمن رو ساواک شاه هوار در حسوی او بود. بالاخره در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۲ در حین شاه میعادگاه او را به محاصره در آورده و با رگبار مسلسل تلب تا امانال ارضی او به رهائی شریک سمنده را از زمین بارایستاندند.

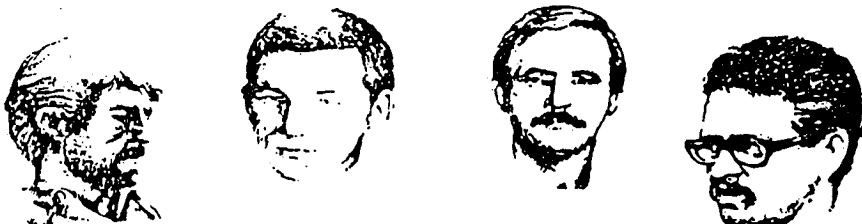
پتک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست پرزگر



جاودان باد ای دشمنی جانباختگان فدائی در بهمن ماه :

- جهانگیر قلمه میان دو آب (جهان)
- فرشاد مرعشی
- قاسم سیادت
- حمید مؤمنی
- بابک سیلابی
- خسرو پناهی
- مهدی اقتدار منش
- محمدجواد عرفانیان
- اکبر پاریسی کیا
- مجید امین نورائی
- مسعود رحمتی
- حسن محمدپور
- حسین چوخالچی
- علی نودری
- بهنام قاسم زاده رضوی
- حر رضائی
- ابراهیم کردی
- مراد میررائی
- اسعد یزدانی
- اسماعیل برزگر
- فریدون بانه‌ای
- احمد محمدی
- فاطمه محمدی
- فردوس آقا ابراهیمیان
- خسرو گلرخی
- کرامت الله دانشیان
- شیرمحمد درخشنده توماج
- عبدالحکیم مختوم
- طوق محمد واحدی
- حسین جرجانی
- حمیدرضا هزارخانی و
- کاوه، حسن، اسکندر.
- بادشان گرامی و راهشان
- پر رهبرو ساد

بیاد رهبران خلق ترکمن، رفیقا توماج، مختوم، واحدی، جرجانی



"...شاه در کنار دوستان اسناده‌ای
در برابر دشت و ستاد و شورا
ستاره‌های ترکمن در آسمان محرا
می درخشیدند
زمانه ترکمن در آئینه رودخانه
حسری خویش بود.



حانیان آتش گشودند
رفیقا "رنده ما دخلق، رنده ما دشوراها"
در عطر خون پیچید
ز خون ما عفتای خویش
ز "سورت شخان" تا "اسخه بیرون"
و از "گمش سبه" تا "شخ لر" آتش گرفت

نگاه کن ... نگاه کن
اسن در سای پرچم‌های سرج
که بر دست کودکان ترکمن محرا
به گردش درآمده است.
خون دژوران ترکمن محراست
چون صادان و کسکراس
چون رسن و سورا.
چون آوار زلفان است
چون آوار جوان سوس.



آ..... ی
توماج... محموم... واحدی... جرجانی
داس خونین دهقانان، بادشان خلق
شور خونین صادان، بادشان خلق

محمد سلطانی سورا

یاد رفیق

★ قاسم سیادت
گرامی باد

در هجدهم سالگرد نام ۲۲ بهمن ۵۷
باد رنسی را گرامی می‌دارم که خود
شمنده سورا را از سر راه‌های سرن آن تمام
نظم بوده‌ای بود.

در ۲۲ بهمن ۵۷ زوری کدیو ده‌های کارگر
و زبندش ایران شد سارجه سراسر
پدند و آتش انقلاب از همه جا پانسه
سیکشد و رنداها و یادگانه‌های نظامی
رژیم شاه یکی پس از دیگری توسط
توده‌ها فرو می‌ریختند. رفیق قاسم سیادت
تا بدل جان خویش سرن سرج فدائی را بر
تارک سج حدادی را دیو سهران، توسط
سوده‌ها حکم کرد. گل‌له مردوران رژیم هنگامی

رستاخیز سیاهکل

در مرصه تاریخ مبارزاتی توده‌ها همواره نقاط عطفی وجود دارند که از سوشی ناسی از شرایط و نیاز مبارزه طبقاتی است و از سوشی دیگر این نقاط عطف اثری شکوف در ارتقاء کیفی و بنیادین مبارزه توده‌ها علیه نظم کهن و مضمحل شونده، اما همچنان دست و پاگیر دارند.

تاریخ مبارزاتی توده‌های کارگر و زحمتکش ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است. از جمله رویدادهای تاریخی و نقطه عطف دهه‌های اخیر حماسه سیاهکل می باشد.

۱۶ سال پیش در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی فدائی جان برکف با عشق عظیم و بی پایان به آرمان طبقه کارگر، سوسیالیسم، در جهت تسریع و تسهیل امر مبارزه طبقاتی کارگران یعنی ایجاد سازمانی پرولتری و کمونیستی، سازمانی رزمنده جهت رهبری کارگران و زحمتکشان در تمامی عرصه‌ها برای سرنگونی رژیم سرما به داری حاکم بر ایران، با اقدامی بغایت انقلابی و تند رآ و کم نظیر در جنگلهای سیاهکل شعله فروزان سوسیالیستی را فروختند که نه تنها بیان فوران خشم فروخته کارگران و زحمتکشان، بلکه آغاز نبردی سخت، طولانی و دوران ساز برای سرنگونی حاکمیت سرما به داری و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا و ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی بود.

با حماسه سیاهکل رفقای فدائی علی اکبر مفاشی، فراهانی، جلیل‌بهرادی، احمد فرهودی، اسکندر رحیمی، هوشنگ سیری،

در صفحه ۱۱

گرامی باد یادرفقای فدائی:



کاوه



حسن



اسکندر



که در دفاع از مرکز فرستنده رادیوشی

قهرمانانه جان باختند!

پتك است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست برزگر



جاودان با دبا دتمامی جانباختگان فدائی در بهمن ماه:

رفقای:

- « ابراهیم پوررضا خلیق
- « سید بیان
- « فتحعلی پناهیان
- « محمدطاهر رحیمی
- « منیژه اشرف زاده کرمانی
- « محسن بطحانی
- « محمدپیرزاده جهرمی
- « مسعود پرورش
- « فاطمه ابورنیا
- « جعفر محسنی
- « معطفی دعیق همدانی
- « ابوبکر فصلی کتدم
- « کیویز سحری
- « حسن فرجودی
- « احمد رضائی
- « محمد رمزی
- « محمود امین زاده
- « سید حمید رهی
- « کاروان رهگذر

بهمن ماه سرج سرج و سگر همدسرس
ماه در تاریخ حسن ایفندی کارگران
و زحمتکشان ایران است.

بهمن ماه مبارزه و مقاومت حماسه
و جان باختن است. بهمن ماه فریاد است
و آتش، ماه غرور و رعد آسای سیاهکل، ماه
غرور آفرین قیام تبریز، ماه آس و نشان
قیام ۵۷، ماه سلاح برگزین سزدها، ماه
سکور سپردن رژیم ناسفاهی زمان دفاع
حسروانه ارمان کارسای کارگران ریزساز
برخیز و زحمتکشان است.

بر برگ برگ نفوس بهمن ماهی داور خاطرات
گرافقدری از حماسه آفرینی جای دسروانه
سباری از فدائیان است. که در راه احب
آرمان کارگران و دفاع از مساع زحمتکشا
بها خاستند و جان در راه رسفا کردند.
رفقای که با خون جود در جاتفت را
آبپاری کرده اند. همراه ساد سفا
جانباختگان راه رهائی، دمکراسی و
سوسیالیسم باد رفقای جان باخسند در
این ماه سرج را گرامی سفا سیم.

صدای فدائی

۸/۵ تب روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق